

بررسی نسبت نقد یا نسیه بودگی مهریه با پاسخگویی عاطفی و تعهد زناشویی زوجین (مورد مطالعه: زوجین شهرستان کرج)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۰

تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۰۵/۱۰

سیده فاطمه محمدی*

چکیده

رابطه زوجین را می‌توان چالش برانگیزترین، صمیمی‌ترین و هیجان‌انگیزترین رابطه‌ای دانست که افراد به آن قدم می‌گذارند. نیاز به برقراری رابطه پایدار، صمیمی، توأم با عشق و محبت از مهم‌ترین اهداف ازدواج هر زن و مرد است. در شریعت اسلامی، ازدواج و آغاز روابط عاطفی و صمیمانه زوجین با تعیین مهریه و روشن شدن شکل پرداخت آن مشروعیت می‌یابد و زوجین نسبت به یکدیگر متعهد و مسئولیت‌مند می‌شوند. این تعهد زناشویی به دلبستگی زوجین و استحکام خانواده و ارتقای کیفیت زندگی آنان منجر می‌شود. این پژوهش درصدد آن است پیش‌فرض‌های مذکور را با استفاده از ابزارهای پژوهش از جمله مقیاس‌های: تعارضات زناشویی، تعهد زناشویی و صمیمیت و مشارکت عاطفی در جامعه آماری شامل زوجین شهرستان کرج مورد بررسی قرار دهد. دلالت‌های این پژوهش می‌تواند در سیاست‌گذاری‌های مهریه در ایران مؤثر باشد. از این‌رو مسأله اصلی این تحقیق آن است که چنانچه زوجین مهریه را به‌صورت نقدی در بدو زندگی پرداخت و دریافت کرده باشند، با شرایطی که این مهریه نسیه بوده و پرداخت نشده و یا بخشی از آن پرداخت شده است، از لحاظ میزان رضایت و تعهد زناشویی و صمیمیت و مشارکت عاطفی میان آنان چه تفاوتی را شاهد خواهیم بود؟ این پژوهش از نوع کمی و روش آن توصیفی و از نوع علی-مقایسه‌ای است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که میزان تعهد زناشویی در خانواده‌های با وضعیت عدم پرداخت مهریه به‌طور معنی‌داری بیشتر از خانواده‌های با وضعیت پرداخت مهریه بوده است. همچنین، میزان تعهد به همسر و احساس تعهد در خانواده‌های با وضعیت عدم پرداخت مهریه به‌طور معنی‌داری بیشتر از خانواده‌های با وضعیت پرداخت مهریه بوده است.

واژه‌های کلیدی: مهریه، تعهد زناشویی، زوجین، ازدواج.

مقدمه

ازدواج، در هر جامعه افزون بر منشأ زیستی و کشش و جاذبه طبیعی، از عوامل روانی، فرهنگی و اجتماعی متعددی ناشی می‌شود و به تبع خود، مجموعه گسترده‌ای از ضوابط و تعهدات دینی، اخلاقی و عرفی را موجب شده و چون سایر کنش‌های انسانی، اهداف و غایات قریب، متوسط و بعیدی را تعقیب می‌کند. از همین رو یکی از مهم‌ترین تحولات دوران زندگی انسان و اولین حلقه از فرایند پر پیچ‌وخم زندگی مشترک خانوادگی است.

رابطه زوجین را می‌توان چالش‌برانگیزترین، صمیمی‌ترین و هیجان‌انگیزترین رابطه‌ای دانست که افراد به آن قدم می‌گذارند. نیاز به برقراری رابطه پایدار، صمیمی، توأم با عشق و محبت از مهم‌ترین اهداف ازدواج هر زن و مرد است. یک رابطه امن با فردی صورت می‌پذیرد که نسبت به او احساس دل بستگی و صمیمیت بشود. این ارتباط امن بیشتر با همسر شکل می‌گیرد و همسر شکل اولیه دل بستگی و منبع عمده‌ی امنیت و احساس آرامش است. افرادی که احساس ایمنی می‌کنند به همسر خود دل بستگی و تعهد روشن‌تر، منسجم‌تر و پیوسته‌تری داشته و احساس مثبتی نسبت به خود دارند. زوجینی که دل بستگی ایمن دارند نسبت به یکدیگر متعهدتر هستند. آن‌ها از رابطه بین فردی خود بیشتر احساس رضایت می‌کنند و این امر سبب تداوم رابطه بین آن‌ها می‌گردد. (ریور، بوریل و نلسون، کافی، ۱۲۸۳)

مشارکت عاطفی، صمیمیت و دل بستگی از جمله متغیرهای مطرح در روابط بین فردی می‌باشد. نتایج به دست آمده از تحقیقات نشان می‌دهد که در روابط زوجین، دل بستگی قدرت تبیین‌کننده بیشتری در مقایسه با دیگر متغیرها دارد و به هر دو صورت مستقیم و غیرمستقیم بر روی کیفیت رابطه زوجین اثر می‌گذارد. (هادی،

اسکندری، سهرابی، معتمدی و فرخی، ۱۳۹۵؛ ظریفی، زارعی و نجار پوریان، ۱۳۹۹؛ محمودپور، فرحبخش، بلوچزاده، ۱۳۹۷) در دل‌بستگی ایمن، زوجین می‌توانند از همسر خود تصور یک پایگاه امن داشته باشند و در مواقع پریشانی به آن پناه ببرند. (سمیه بازرگان و دیگران: ۲۹)

از دیگر متغیرهای مهم که بیانگر پایداری و ادراک رابطه زناشویی است و کاهش آن افزایش تعارض زناشویی را به همراه دارد، تعهد زناشویی است. (کریمی، بختیاری و آرانی، ۲۰۱۹؛ عزیززاده فرد و رزاقی، ۱۴۰۰) تعهد زناشویی به احساس امنیت فرد در یک رابطه و درک وی از ارزش رابطه در طولانی مدت اشاره دارد. تعهد به عنوان تصمیم آگاهانه یک فرد برای پیوستن به عملی خاص یا به عنوان یک حالت وابستگی عاطفی و عقلانی به یک آرمان مطلوب تعریف می‌گردد؛ به عبارت دیگر، تعهد زناشویی به معنای تمایل فرد به حفظ یک ازدواج دائمی و وفادار ماندن به همسر، خانواده و ارزش‌های تعریف شده خود است. (هالفورد، ویلسون، واتسون، ورنر، لارسون و همکاران، ۲۰۱۰) در همین راستا توجه پژوهشگران به دل‌بستگی و تعهد زناشویی و ارائه مداخلاتی جهت بهبود کیفیت رابطه زوجین دچار تعارض زناشویی جلب شده است. (تقی یار و پهلوان زاده، ۱۳۹۸؛ ثوابی، صفاریان طوسی و خوی نژاد، ۱۳۹۹؛ معاذی نژاد، عارفی و امیری، ۱۴۰۰) آنان درصدد هستند با بررسی مؤلفه‌های مهم و مؤثر در ارتقای دل‌بستگی و تعهد زناشویی، به استحکام خانواده و گذر آن از تعارضات و بحران‌های پیش رو یاری رسانند.

در شریعت اسلامی، ازدواج و آغاز روابط عاطفی و صمیمانه زوجین با تعیین مهریه و روشن شدن شکل پرداخت آن مشروعیت می‌یابد و زوجین نسبت به یکدیگر متعهد و مسئولیت‌مند می‌شوند. این تعهد زناشویی به دل‌بستگی زوجین و استحکام خانواده و ارتقای کیفیت زندگی آنان منجر می‌شود. تعبیر نحل در آیه شریفه «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً» نشان‌دهنده آن است که مهریه نوعی پیشکش،

بخشش و هدیه مرد به زن و نشانه صداقت مرد در امر ازدواج و ابزاری برای اظهار علاقه او به همسرش می‌باشد.

در قوانین جمهوری اسلامی ایران نیز به موجب ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی، به محض اینکه عقدی میان طرفین واقع شد، زن مالک مهر می‌شود و ادای مهریه بر ذمه شوهر می‌آید و هیچ‌چیز نمی‌تواند جلوی این مالکیت را بگیرد. البته واقعیت جامعه به سمت و سویی رفته است که گاه از مطالبه مهریه، به خواهان طلاق بودن زوجه تفسیر می‌شود و درخواست مهریه که بر اساس شرع و قوانین کشور، عندالمطالبه و نقد می‌باشد، نشانه‌ای برای تعارض زناشویی محسوب می‌شود. بخشی از چرایی این تلقی را باید در خروج معنایی و کارکردی مهریه از آنچه شریعت برای آن وضع کرده، جستجو نمود. به‌عنوان نمونه، با وجود آن‌که دین اسلام بر سبک بودن مهریه تأکید دارد؛ اما بررسی میزان مهریه‌ها در دهه‌های اخیر، پدیده نسبتاً جدید افزایش میانگین مهریه را نشان می‌دهد. نسیه بودن مهریه، وقوع تغییراتی در نظام باورها و نگرش‌ها و رفتارها و انتظارات و ترجیحات اکثریت افراد جامعه ایرانی، غلبه نگرش‌های مادی، تحرکات اجتماعی و ایجاد فرصت‌های جدید و استقلال‌طلبی نسبی برای زنان، تلقی از مهریه به‌مثابه ابزاری برای مهار طلاق و کنترل نوجویی‌های مردان با توجه به بالا رفتن آمار طلاق، افزایش ارتقای منزلت اجتماعی زنان، بیشتر شدن تشریفات ازدواج، چشم و هم‌چشمی‌ها، عدم آشنایی کافی و بسنده به واسطه شیوع ازدواج‌های برون فامیلی، تضعیف اعتماد اجتماعی، ترویج بی‌بندوباری و... از دیگر عواملی است که در خروج مهریه از معنا، ماهیت، حکمت وضع و کارکردهای مدنظر دین برای آن بی‌تأثیر نبوده است. (حسن یوسف زاده، ۱۳۸۴: ۴۸)

این پژوهش درصدد آن است پیش‌فرض‌های مذکور را با استفاده از ابزارهای پژوهش از جمله مقیاس‌های: تعارضات زناشویی، تعهد زناشویی و صمیمیت و

مشارکت عاطفی در جامعه آماری شامل زوجین شهرستان کرج مورد بررسی قرار دهد. دلالت‌های این پژوهش می‌تواند در سیاست‌گذاری‌های مهریه در ایران مؤثر باشد. از این‌رو مسأله اصلی این تحقیق آن است که چنانچه زوجین مهریه را به صورت نقدی در بدو زندگی پرداخت و دریافت کرده باشند، با شرایطی که این مهریه نسیه بوده و پرداخت نشده و یا بخشی از آن پرداخت شده است، از لحاظ میزان رضایت و تعهد زناشویی و صمیمیت و مشارکت عاطفی میان آنان چه تفاوتی را شاهد خواهیم بود.

اهمیت و ضرورت تحقیق

تصورها و باورهای خطایی همچون نسیه بودن مهریه و احاله زمان پرداخت آن به هنگامه طلاق و بروز تعارض زناشویی، آسیب‌هایی را به همراه خواهد داشت و استحکام خانواده را خدشه‌دار خواهد ساخت. پیش‌فرض این تحقیق چنین است که اگر زوج در هنگام انعقاد عقد، مبلغی در دسترس، سهل الوصول و متناسب با توان و اقتضای مالی خود را به صورت نقد (و نه نسیه) به زوجه پرداخت کند، برخی از زمینه‌های تعارض و دل‌زدگی زناشویی از میان خواهد رفت و شاهد دل‌بستگی بیشتر، تعهد زناشویی افزون‌تر و ارتقای کیفیت زندگی زناشویی خواهیم بود. در همین راستا، دریافت مبلغ مهریه در بدو زندگی می‌تواند از مهریه‌های نجومی و غیرقابل پذیرش بکاهد، استفاده ابزاری از مهریه برای فشار بر شوهر توسط زوجه را کاهش دهد، فرهنگ استقلال زن در مدیریت اموال خویش که از حقوق زن در اسلام است را در نهاد خانواده و روابط زوجین تثبیت کند، مهارت مدیریت مالی زوجه را ارتقا دهد، استفاده از مهریه برای تأمین جهیزیه و در نتیجه کاهش سن ازدواج را موجب شود، زن را از سود حاصل از فعالیت اقتصادی با مهریه در حین ایام زناشویی برخوردار سازد و از مشکلات مالی زوجه در خلال زندگی بکاهد، از

میزان نزاع‌های پسینی زوجین بر سر دریافت این حق زوجه و بروز کشمکش‌ها و بدعهدی‌ها در خصوص زمان پرداخت آن بکاهد و نیز در فروکاست دعاوی حقوقی مهریه در محاکم و تقلیل آمار زندان رفتن مردان مؤثر باشد، امکان برنامه‌ریزی برای آینده را به زوجه بدهد و به افزایش احساس امنیت روانی و اقتصادی زن و تحکیم محبت در خانواده منجر شود.

در سالیان اخیر شاهد ناکارآمدی راهکارهای قانونی تأدیه حقوقی مالی زوجه می‌باشیم. بدون شک امروزه توسل به اجرای قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی که مصوب سال ۱۳۵۳ بوده و ماده ۲ آن در این راه به‌ویژه بعد از اجرای قانون مربوط به تأدیه مهریه به نرخ روز، نه تنها در استحکام بنیان خانواده‌ها مؤثر نبوده بلکه نتیجه‌ای جز فروپاشی خانواده نداشته است. علاوه بر آن که نباید ابزار کیفری و حبس را وارد حریم خانواده‌ها کرد، باید قانون را به صورتی کارآمد طراحی نمود. بررسی اجمالی اختلافات و دعوای رخ داده در موضوع مهریه که از طریق عموم در جامعه مطرح می‌شود و بعضاً در جراید انعکاس می‌یابد و نیز با بررسی‌های کارشناسانه در بین پرونده‌های موجود در دادگاه‌ها، درمی‌یابیم که علت اصلی این اختلافات و نزاع‌ها نه به ماهیت مهریه بلکه به فرایند پرداخت مهریه از طرف زوج به زوجه برمی‌گردد. در این شکاف میان فلسفه وضع مهریه با واقعیات اجتماعی؛ مهریه بیش از آن که به تسهیل حمایت از زن و آرامش خانواده منجر شود، به عاملی برای تضعیف پیوند خانوادگی و بروز مشکلات فراوان برای زوجه مبدل شده است.

پیشینه تحقیق

در خصوص موضوع این نوشتار، پژوهش‌های صورت پذیرفته را می‌توان در سه دسته جای داد:

یک. پژوهش‌هایی که به موضوع صمیمیت و مشارکت عاطفی و نیز دلبستگی زوجین و الگوهای ارتباطی و سبک‌های دلبستگی پرداخته‌اند.

عظیم فکری علی بابالو با موضوع «نقش نیازهای بنیادین زوجین و دلبستگی دوره بزرگسالی در پیش‌بینی حس پیوستگی و تعهد زوجین» (۱۳۹۹) و سمیرا سالارآبادی با عنوان «تجارب زیسته زوجین با ضربه دلبستگی (دلبستگی ناایمن) در روابط زناشویی: پژوهش پدیدارشناسی» (۱۳۹۸) از این زاویه به روابط عاطفی زوجین نگریسته‌اند.

این تحلیل به شناسایی ۳۰ زیر مضمون و ۵ مضمون اصلی انجامیده که عبارت‌اند از: الگوهای ارتباطی مختل، وجود اختلالات روانی و دشواری تنظیم هیجان، خشونت و پرخاشگری خانگی، روابط جنسی مختل، روابط عاشقانه و بین فردی آشفته. زوجین با ضربه دلبستگی، دارای الگوهای ارتباطی مختلی هستند که زندگی آن‌ها را به سمت طلاق عاطفی سوق داده است؛ بنابراین آموزش و برگزاری دوره‌های غنی‌سازی مبتنی بر روش دلبستگی بزرگسالان در پیشگیری از تعارضات زوجین ضروری می‌نماید.

فهمیه رابهیان نیز در پژوهشی تحت عنوان «بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و صمیمیت با رضایت زناشویی زوجین» (۱۳۹۳) به این نتیجه رسیده است که بین سبک دلبستگی اجتنابی و رضایت زناشویی زوجین رابطه منفی معنی‌داری وجود دارد و بین سبک دلبستگی ایمن و رضایت زناشویی زوجین رابطه مثبت معنی‌داری وجود دارد. به‌علاوه بین سبک دلبستگی دوسوگرا و رضایت زناشویی رابطه معنی‌داری مشاهده نشده و بین صمیمیت و رضایت زناشویی زوجین رابطه مثبت معنی‌داری وجود دارد. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نیز حاکی از وجود رابطه چندگانه سبک‌های دلبستگی و صمیمیت با رضایت زناشویی زوجین بوده، اشاره کرد.

دو. تحقیقاتی که موضوع تعهد زناشویی را مورد توجه خویش قرار داده‌اند:

درباره موضوع تعهد زناشویی، پژوهش‌هایی در داخل و خارج از کشور صورت گرفته است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد.

الف) پژوهش‌های مرتبط با تعهد زناشویی در خارج از کشور

دین و اسپانیر (۱۹۷۴) به‌عنوان پیشگامان پژوهش در حیطه‌ی تعهد زناشویی با بررسی روابط زناشویی ۲۱۸ دانشجوی متأهل دانشگاه دریافتند که تعهد زناشویی با رضایت و سازگاری زناشویی دارای همبستگی بالایی است. اسونسون و تراهاگ (۱۹۸۵) طبق یافته‌های پژوهشی خود گزارش کردند که در ازدواج‌های دارای تعهد بالا، صمیمت بیشتری وجود دارد، عشق بیشتری ابراز می‌شود و درگیری‌های زناشویی کمتری دیده می‌شود.

لوند (۱۹۸۵) در یک پژوهشی تلاش کرد، تشخیص دهد که از بین مؤلفه‌های تعهد زناشویی مشتمل بر روش‌های کشش مثبت (جاذبه و عشق) و موانع و محدودیت‌ها (میزان سرمایه‌گذاری)، کدام‌یک به بهترین نحو می‌تواند بقا و تداوم روابط زناشویی را پیش‌بینی کند. او در پژوهش خود دریافت که میزان سرمایه‌گذاری‌ها و هزینه‌ها در ازدواج بیشتر از عشق و علاقه به همسر می‌تواند بقای روابط زناشویی را تضمین نماید. لایر (۱۹۸۷) دریافتند که تعهد زناشویی می‌تواند به‌عنوان دلیل اصلی تداوم ثبات زناشویی در نظر گرفته شود. (به نقل از استنلی و مارکمن، ۲۰۰۶)

مونته‌گومری (۱۹۸۸) گزارش کرد؛ زوجینی که دارای روابط شاد و رضایت‌بخش هستند و نسبت به یکدیگر متعهدند از سازگاری زناشویی بیشتری برخوردارند. (به نقل از تبعه امامی، ۱۳۸۲)

استنلی و مارکمن (۱۹۹۲) بر اساس یافته‌های پژوهش خود پیشنهاد کردند که فداکاری شخصی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های تعهد زناشویی می‌تواند به‌طور فعال

کیفیت ارتباطات زناشویی را پیش‌بینی نماید. نتایج تحقیق دیگری نشان داد که میزان تعهد زناشویی در زوجین میان‌سال نسبت به زوجین جوان بالاتر و بارزتر است. (فیهر، ۱۹۸۸؛ فیهر و راسل، ۱۹۹۱؛ راسبلت و همکاران، ۱۹۹۳؛ به نقل از قمرانی و عباسی مولید، ۱۳۸۷)

ب) پژوهش‌های مرتبط با تعهد زناشویی در داخل کشور

در این دسته به مقاله سعیده بزازیان و دیگران، با موضوع « نقش واسطه‌ای عملکرد خانواده در رابطه بین نیازهای بنیادین روان‌شناختی، انتظارات زناشویی و تعهد زناشویی » که در دو فصلنامه روانشناسی معاصر، ۱۳۹۷، ۱۳ (۲) منتشر شده می‌توان اشاره کرد. نتایج پژوهش نشان داده که بین نیازهای بنیادین روان‌شناختی و انتظارات زناشویی با تعهد زناشویی، همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد. همبستگی بین عملکرد خانواده و تعهد زناشویی منفی و معنادار بود. همچنین رابطه‌ی نیازهای بنیادین روان‌شناختی و عملکرد خانواده منفی و معنادار بود. نتایج تحلیل مسیر نشان داد که انتظارات زناشویی به‌طور مستقیم بر تعهد زناشویی تأثیر دارد. نیازهای بنیادین روان‌شناختی هم به‌طور مستقیم و هم به‌طور غیرمستقیم از طریق عملکرد خانواده بر تعهد زناشویی تأثیرگذار بود. همچنین مشخص شد که عملکرد خانواده بر تعهد زناشویی تأثیر دارد. یافته‌ها مدل پژوهش را تأیید کردند؛ بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که رابطه‌ی نیازهای بنیادین روان‌شناختی و انتظارات زناشویی با تعهد زناشویی یک رابطه‌ی خطی و ساده نیست و عملکرد خانواده در این رابطه نقش واسطه‌ای دارد.

سه. مطالعاتی که به موضوع مهریه و ابعاد مختلف آن پرداخته‌اند:

موضوع مهریه به‌عنوان یکی از مباحث نظام حقوقی اسلام و مسائل مهم اجتماعی، در پژوهش‌های فراوانی بازتاب یافته است. در این پژوهش‌ها به جایگاه شناسی مهریه در اسلام، تحولات رخ داده در آن، آسیب‌های اقتصادی و

فرهنگی و اجتماعی ناشی از این تحولات و راهکارهای تغییر وضعیت موجود پرداخته شده است. در ادامه به برخی از این تحقیقات اشاره می‌شود:

۱. بررسی وضعیت حقوقی مهریه‌های غیر مقدورالتسلیم در حقوق ایران. (امیدی، ۱۳۸۹) در این پژوهش اشاره شده که توافق بر تعیین مهر، توافقی است تبعی و پیوستگی آن با عقد نکاح از رابطه شرط و عقد نیز کمرنگ‌تر است؛ زیرا نه خود عقد و نه التزام به آن برحسب انشا وابسته به پرداخت مهر نیست. با توجه به اینکه مهریه در زمره حقوق خاصه زوجه به شمار آمده و نقش بسزایی در روابط زوجین ایفا می‌کند و نظر به اینکه یکی از مشکلات اساسی مرتبط با مهر، غیرمقدورالتسلیم بودن مهریه‌های تعیینی می‌باشد، لذا بررسی اینکه آیا وجود قدرت و توانایی زوج در تعیین مهر می‌تواند از جمله شرایط صحی مهر باشد یا نه؟ بسیار مهم جلوه می‌کند. این پژوهش به دنبال اثبات این امر بوده که قدرت بر تسلیم از شرایط عمومی قراردادهاست و تفاوتی در این زمینه میان عقود اصلی و قراردادهای تبعی مثل شرط ضمن عقد و مهر وجود ندارد.

۲. آسیب‌شناسی مهریه و عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر آن. (قلی‌زاده، ۱۳۹۰) هدف این پژوهش بررسی وضعیت مهریه‌ی دانشجویان متأهل، شناسایی آسیب‌های ناشی از مهریه و عوامل فرهنگی اجتماعی مؤثر بر آن است. روش پژوهش از نوع توصیفی - پیمایشی بوده که در مورد ۱۸۰ نفر نمونه‌ی آماری از مجموع ۵۳۰ نفر دانشجویان متأهل در دانشگاه آزاد اسلامی واحد فلاورجان که به گونه‌ی نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب شده بودند، انجام گرفت. ابزار اندازه‌گیری، پرسشنامه‌ی محقق ساخته بود که در سه بخش اطلاعات جمعیت‌شناختی، شناسایی آسیب‌های ناشی از مهریه و شناسایی عوامل آسیب‌زا در مقیاس لیکرت تنظیم گردید. پایایی پرسشنامه براساس آلفای کرونباخ، برابر ۰/۸۹ در شناسایی آسیب‌ها و ۰/۸۶ در شناسایی عوامل آسیب‌زا

برآورد شد. داده‌های پژوهش با استفاده از روش تحلیل عاملی، تجزیه و تحلیل شد. یافته‌های به‌دست‌آمده از تحلیل عاملی اکتشافی نشان داد که مهریه سبب ایجاد آسیب‌های خانوادگی، آسیب‌های اجتماعی، آسیب‌های اقتصادی و آسیب‌های فرهنگی به ترتیب با ضریب کفایت نمونه‌گیری ۰/۸۲، ۰/۶۶، ۰/۶۴ و ۰/۷۳ می‌شود. همچنین، یافته‌های به دست آمده از آمار استنباطی نشان داد که عوامل اجتماعی (شامل: چشم و هم‌چشمی، جایگزین شدن ارزش‌های مادی به جای ارزش‌های معنوی، وجود عشق‌های رمانتیک، تأخیر در پرداخت یا عدم پرداخت مهریه، عدم شناسایی توانمندی‌های زنان، افزایش شأن و منزلت اجتماعی) (با میانگین ۳/۳۵)، عوامل اقتصادی (شامل: ارتباط مهریه با شغل، میزان دارایی و تمکن اقتصادی داماد، تأثیر سبک زندگی خانواده‌ها بر مهریه، ارتباط مهریه با افزایش حقوق، افزایش تشریفات و هزینه‌های زندگی، افزایش قیمت سکه و طلا) (با میانگین ۳/۳۳) بیش‌ازحد متوسط و عوامل فرهنگی (شامل: توجه به موقعیت خانوادگی؛ تحصیلات؛ ثروت و شغل، رواج جمله چه کسی مهر را داده و چه کسی گرفته، ناآگاهی زنان نسبت به حقوق مدنی و قوانین ازدواج، دخالت نداشتن دختران در تصمیم‌گیری در مورد مهریه) (با میانگین ۲/۹۹) در حد متوسط بر وضعیت مهریه مؤثر بودند.

نوآوری و جدید بودن تحقیق

می‌توان از منظری و رای مباحث الهیاتی نیز شواهدی برای لزوم بازگشت به سیره معصومین علیهم‌السلام یافت. به نظر نگارنده، وقتی مرد مهریه را به‌صورت تعهدی لازم در اول زندگی پرداخت نمی‌کند، با توجه به این تصور رایج که مهریه نسبه است و «چه کسی آن را داده و چه کسی آن را گرفته است؟!»، از این واجب الهی تخطی و غفلت می‌کند و بهانه‌ها و ابزارهایی را برای عدم پرداخت آن می‌جوید. در مقابل، نگاه زن هم این می‌شود که گروکشی کند و با تلاطم‌های اقتصادی و فراز و

نشیب‌های زندگی، به آن به‌عنوان ابزاری برای تحت‌فشار قرار دادن مرد و یا مدافعه‌ای در مقابل تحولات بنگرد. حکومت نیز برای جلوگیری از ظلم به زن، به سیاست‌های تعزیری و تأدیبی و مداخله در خانواده برای استیفای حقوق زن مجبور می‌شود و به تبع آن، خانواده قوام و استحکام خویش را از دست داده و با این مداخله حکومت، خانواده از مجرای طبیعی ایجاد تعادل میان حقوق و تکالیف زوجین خارج می‌شود و به مخاطره می‌افتد. در واقع، ایده نگارنده آن است که در بحث مهم رواداری یا مذموم شماری مداخله حکومت در خانواده، با توضیح مدل دینی پرداخت مهریه نشان دهد؛ تصدی‌گری و مداخله حکومت نه تنها کمک‌کننده به خانواده نیست، بلکه منشأ بسیاری از آسیب‌ها برای این نهاد مهم و حیاتی خواهد شد. لذا می‌توان بدون مداخله حاکمیت و با بازگشت به مدل مبتنی بر نگاه و حیانی به خانواده، با توانمندسازی خانواده و بدون دخالت تصدی‌گرایانه و تعزیری حکومت، این نهاد را صیانت و آن را توانمند در حل مشکلات خود ساخت.

توضیح آن‌که در آموزه‌های اسلامی، فلسفه خلقت بر کفویت و زوجیت استوار و زوجیت مبتنی بر مودّت و رحمت، لازمه مصونیت روانی و نفسانی زن و مرد و استقرار در مسیر کمال است. غایت زوجیت نیل به آرامش ماندگار بوده و آرامش و سکون فرد و اجتماع در گروه کارکردهای خانواده دانسته شده است. به واسطه همین مناسبات، نباید به خانواده به‌عنوان یک واحد منفعل که فقط پذیرای تغییرات است، نگاه کرد؛ خانواده پدیده‌ای است که هر لحظه در حال دگرگونی بوده و از فراگردهای «ساخته شدن»، «از ساخت افتادن» و «بازساختی شدن» برخوردار است و می‌تواند به‌عنوان عامل فعال با این مشکلات خود برخورد کند. این نهاد زنده و پویا بوده و دارای ویژگی‌هایی همچون تعادل یابی در شرایط بروز عدم تعادل، خود ابقایی و قدرت تولید و بازتولید است؛ این ویژگی‌ها از خانواده نهادی قوی و پرکاربرد ساخته است که خود می‌تواند به

حل بخش زیادی از مسائل و مشکلات پردازد. از این رو در بحث مهریه شایسته است سیاست‌هایی خانواده محور و با حداقل مداخله از سوی حاکمیت اندیشیده شود و اجازه داده شود خانواده با توانمندسازی خود و ایجاد سازوکارهای لازم، به حل مسأله خود پردازد. شواهد و واقعیات اجتماعی هم نشان می‌دهد با مداخله قانون و حاکم در مناسبات خانوادگی، هم زن در دستیابی به حقوق خود با چالش‌های فراوانی مواجه می‌شود و هم نزاع‌های پیرامون آن، به ثبات و استحکام خانواده لطمه جدی وارد می‌سازد و گاه طرح دعوی در دادگاه‌ها، نزاع‌هایی بی‌بازگشت را موجب می‌شود. لذا می‌توان مدعی شد نقدبودگی مهریه راهکاری برای جلوگیری از مداخلات نابجای حکومت در عرصه خانواده است. وقتی مردم مانند صدر اسلام ببینند حکومت ضمانتی در بحث مهریه بر عهده نمی‌گیرد خودشان ترتیباتی برای آن قرار می‌دهند.

سؤالات پژوهش

سؤال اصلی پژوهش:

آیا نقد یا نسبه‌بودگی مهریه بر پاسخگویی عاطفی و تعهد زناشویی زوجین تأثیر دارد؟

سؤال‌های فرعی پژوهش:

(۱) نگاه آموزه‌های دینی به زمان و نحوه پرداخت مهریه و فلسفه وجودی آن چیست و سیره اهل بیت علیهم‌السلام در این خصوص چه بوده است؟

(۲) مؤلفه‌های پاسخگویی عاطفی، صمیمیت، مشارکت عاطفی و تعهد زناشویی چیست؟

(۳) نقد بودگی مهریه تا چه میزان در روح و سلامت خانواده اثرگذار است و نسبت میان مهریه با ایجاد علقه و صمیمیت در زوجین و متعهد سازی آن‌ها به زندگی چیست؟

۴) آیا نقد بودن مهریه می‌تواند راهکاری برای حل نزاع‌های خانوادگی در این خصوص و کاهش مداخلات حاکمیت در این عرصه باشد؟

اهداف تحقیق

هدف اصلی تحقیق:

- مقایسه تعهد زوجین و صمیمیت و مشارکت عاطفی و درجه ثبات آن با نقد و غیر نقد (نسیه) بودن مهریه
اهداف فرعی:

- مقایسه صمیمیت و درجه ثبات آن و مشارکت عاطفی با نقد و غیر نقد (نسیه) بودن مهریه؛

- مقایسه تعهد زوجین با نقد و غیر نقد (نسیه) بودن مهریه؛
- کمک به سیاست‌گذاری برای رفع چالش‌های حقوقی و روان‌شناختی خانواده.

چارچوب مفهومی پژوهش

جایگاه مهریه در آموزه‌های اسلامی و سیره اهل بیت (علیهم‌السلام) و نیز نظریه‌های مربوط به دلبستگی و تعهد زناشویی به عنوان چارچوب نظری این تحقیق استفاده می‌شود.

الف) مهریه در اسلام

نگاهی گذرا به تاریخ تمدن بشر بیانگر آن است که زنان نسبت به مردان همواره از حقوق اجتماعی نابرابری برخوردار بوده‌اند. اگرچه بنا بر برخی گزارش‌های تاریخی، در دورانی که به دوران مادرسالاری معروف است، زنان در خانواده، قوم و قبیله شئون اجتماعی بالایی داشته و مردان را مورد حکومت قرار می‌داده‌اند، ولی در بقیه ادوار، همواره مورد خشونت‌های اجتماعی و حقوقی بوده‌اند. چنانکه در برابر

اراده مرد، هیچ‌گونه اراده‌ای نداشته به‌راحتی مورد تجاوز و ضرب و شتم و یا حتی قتل قرار می‌گرفتند. همچنین از هیچ‌گونه حقوق اقتصادی و مالی برخوردار نبودند و مزد کار و حرفه ایشان متعلق به همسر و یا پدرانشان بود.

با پیدایش دین اسلام و ظهور تمدن اسلامی به گواهی تاریخ، انقلابی در حقوق زنان پدید آمد. بنا بر تعلیمات قرآن، کتاب مقدس دین اسلام، زن از نظر خلقت همانند مرد است و به‌ویژه در نصوص قرآنی همانند مردان مورد خطاب اوامر و نواهی شرعی بوده و از این رو به لحاظ شئون اجتماعی کم‌وبیش، هم‌سنگ مردان قرار گرفته است. همچنین در امور اقتصادی از چنان استقلالی برخوردار می‌شود که می‌تواند نسبت به کار و تلاش خود مالکیت داشته، مزد و اجر خود را شخصاً مورد استفاده قرار دهد. همین زن که پیش از این جزء مایملک پدر یا همسر محسوب شده مورد خرید و فروش قرار می‌گرفت و پس از مرگ ایشان همانند بقیه ترکه به ارث می‌رسید، اینک خود به‌عنوان یک شخصیت حقوقی از اموال متوفی ارث می‌برد. تحولی که اسلام در نظام حقوق زن پدید آورد از آن‌رو درخور توجه است که تمدن‌های غیراسلامی تا حدود ۱۲ قرن پس از اسلام چنین حقوقی را برای زنان قایل نشدند. با این همه بررسی تاریخی حقوق زنان نشانگر آن است که به‌مرور زمان و دور شدن از عصر رسالت، فقه اسلامی به نحو چشمگیری از افکار مردسالارانه متأثر گشته است. (پارسا، ۱۳۸۱: ۶۳-۶۲)

در آیینِ مبینِ اسلام که نکاح در آن سستی گرامی و مقدس شمرده شده است، تأکید بیشتر بر عواملی همچون عفت و پاکدامنی، صدق و صفا، تعهد و اخلاص می‌باشد و در خصوص مهریه سفارش فراوان دیده می‌شود که از سختگیری‌ها و از افراط در این زمینه اجتناب گردد، آن‌گونه که رسول اکرم ﷺ در حدیثی می‌فرمایند: بهترین مهریه‌ها آن است که سبک‌تر باشد. (نهج الفصاحه، ۱۴۸۹: ۴۶۷)

علاوه بر سخنان آن حضرت و اهل بیت علیهم السلام با مراجعه به سیره آن بزرگواران به روشنی درمی یابیم که آنان و فرزندان ارجمندشان، براین روال زیسته اند و به جای تکیه بر مهریه، کوشیده اند تا کابین ارزشمندی از ارزش های معنوی را برگزینند که فانی و زوال پذیر نباشد و به استحکام پیوند زناشویی و کانون خانواده مدد افزون تری رسانند. مهریه، جهیزیه و زندگی ساده و بی آرایش امام علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام و فرزندان ارجمند ایشان؛ می باید به عنوان بهترین اسوه و الگو برای تمامی عصرها و نسل ها مدنظر قرار گیرد و پیام بزرگ آنان به گوش جان شنیده شود که تقاضای مادی و افزون طلبی های دنیوی را اعتباری نیست و سعادت و رستگاری میسر نمی شود مگر با بهره مندی از صدق و اتکا به ارزش های معنوی. (شرفشاهی، ۱۳۸۹: ۶)

شهید مطهری در تشریح مهر در قرآن کریم می گوید:

قرآن کریم مهر را به صورتی که در مرحله ی پنجم گفتیم ابداع و اختراع نکرد، زیرا مهر به این صورت ابداع خلقت است. کاری که قرآن کرد؛ این بود مهر را به حالت فطری آن برگردانید. قرآن کریم با لطایف و ظرافت بی نظیری می گوید: «کابین زنان را که به خود آنها تعلق دارد (نه به پدران یا برادران آنها) و عطیه و پیشکشی است از جانب شما به آنها، به خودشان بدهید.» (سوره نساء، آیه ۴)

قرآن کریم در این جمله ی کوتاه به سه نکته ی اساسی اشاره کرده است: اولاً؛ با نام «صدقه» (به ضم دال) یاد کرده است نه با نام «مهر». صدقه از ماده ی صدق است و بدان جهت به مهر صداق یا صدقه گفته می شود که نشانه ی راستین بودن علاقه مرد است. بعضی مفسرین مانند صاحب کشاف به این نکته تصریح کرده اند؛ همچنان که بنا به گفته ی راغب اصفهانی در مفردات غریب القرآن، علت اینکه صدقه (بفتح دال) را صدقه گفته اند این است که نشانه ی صدق ایمان است. دیگر اینکه؛ با ملحق کردن ضمیر (هُنَّ) به این کلمه می خواهد بفرماید که مهریه به

خود زن تعلق دارد نه پدر و مادر؛ مهر مزد بزرگ کردن و شیردادن و نان دادن به او نیست. سوم اینکه؛ با کلمه‌ی «نحله» کاملاً تصریح می‌کند که مهر هیچ عنوانی جز عنوان تقدیمی و پیشکشی و عطیه و هدیه ندارد. (مطهری، ۱۳۷۱: ۱۸۶)

دلیل قرآنی ایشان همان آیه ۲۰ سوره مبارکه نساء است که اکثریت فقهای شیعه به آن استناد کرده‌اند و دلیل نامبردگان از سنت نیز روایتی از خلیفه‌ی دوم است که ایشان با دیدن زیاده‌روی مردم در تعیین میزان مهریه تصمیم گرفت میزان مهریه را مشخص و مقرر کند که هیچ‌کس حق تجاوز از این میزان را نداشته باشد تا اینکه امکان ازدواج آسان فراهم شود. هنگامی که مردم را به این امر دعوت کرد، زنی وی را مخاطب قرار داده و اظهار کرد: «تو در حالی که خداوند می‌فرماید: «وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَّكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنْطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا» را تلاوت می‌کنی، چنین حکمی را صادر می‌کنی.» عمر با شنیدن این استدلال گفت: «این زن درست می‌گوید».

با این اوصاف فقهای اهل سنت نیز مانند فقهای شیعه به استناد روایاتی از حضرت رسول ﷺ که فرمودند: «بهترین مهریه، کمترین آن است»، بر استحباب کم بودن مهریه حکم کرده و مهریه‌ی زیاد را مکروه می‌شمارند. (جلالی، ۱۳۸۹: ۴۸)

از سوی دیگر مقدار مهر در فقه امامیه نیز قابل بحث است. در فقه امامیه دو نظر در خصوص مقدار مهریه موجود است:

الف) برخی بر این عقیده‌اند که میزان مهر نباید بیشتر از مهر السنه یعنی پانصد دینار باشد. ایشان در توجیه ادعای خود ضمن استناد به روایت مفضل از امام جعفر صادق علیه السلام که می‌گوید از حضرت در مورد مقدار مهریه زن که نباید از آن تجاوز گردد سؤال کردم. ایشان فرمودند:

«سنت محمدی ۵۰۰ درهم است پس کسی که بیشتر از آن مهریه تعیین کند، به سنت پیامبر بازگشت داده می‌شود و ملزم به پرداخت بیش از ۵۰۰ درهم نیست». (حر عاملی، ۱۴۱۰: ۱۱۰/۱۳)

ب) برخلاف این نظر که اقلیتی از فقهای امامیه به آن قائل‌اند، اکثر فقهای شیعه عقیده دارند که برای مهریه حداکثری وجود ندارد. (نجفی ۱۴۱۴: ۱۴/۳۱؛ جبعی عاملی ۱۳۷۰: ۴۸۹/۵) دلایل ایشان برای اثبات این ادعا بدین شرح است: اول قرآن، آیه‌ی بیستم سوره نساء می‌فرماید: «وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قَنْطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا»؛ «اگر خواستید زنی را رها کرده و زنی دیگر اختیار کنید و مال بسیاری مهر او کرده‌اید، نباید چیزی از مهر او را پس بگیرید. آیا با تهمت زدن به زن مهر او را می‌گیرید؟ و این گناهی آشکار است». منظور از قنطار مال عظیم است و اینکه خداوند فرموده است که مهریه زنان را اگر بسیار زیاد هم باشد پردازید، دلالت بر آن دارد که برای تعیین مهریه حدود مرزی وجود ندارد. چراکه اگر غیر از این بود، خداوند پرداخت مهریه را تا حد معین واجب می‌فرمود و بدین صراحت مرد را از بازپس‌گیری مهریه‌ای که تعیین کرده صرف نظر از میزان آن، منع نمی‌فرمود.

در کتاب شریف وسائل‌الشیعه روایات متعددی موجود است که حکایت از عدم تحدید مهر می‌کند. به‌عنوان نمونه در ذیل به دو روایت اشاره می‌شود:

روایت منقول از امام صادق (ع) در مورد میزان مهریه: «ما تراضيا عليه من قليل او كثير فهو مهر»؛ «مهریه عبارت از آن چیزی است که بر آن تراضی شود کم باشد یا زیاد».

روایت منقول از امام رضا (ع): «اگر مردی با زنی ازدواج کند و مهریه وی را بیست هزار سکه قرار دهد و برای پدرش ده هزار، مهر زن صحیح بوده و آنچه برای پدر قرار داده شده فاسد است».

قائلین به این نظر، استدلال فقهای دسته اول را رد کرده و اظهار می‌دارند؛ روایت استنادی ایشان در غایت ضعف سند بوده و به دلیل احکام عجیب

موجود در آن مورد توجه هیچ فقیهی قرار نگرفته است. علی‌رغم اعتقاد اکثریت فقها بر محدود نبودن مهر ایشان به استناد احادیثی از معصومین، از جمله روایت از امام باقر علیه السلام که فرمود: «از برکت زن، کمی مهر او و از شومی وی، کثرت مهر اوست». همچنین روایت از حضرت رسول صلی الله علیه و آله که فرمود: «بهترین زنان امت من زنانی هستند که کمترین مهر را دارند»، قائل به کراهت مهر زیاد و استحباب مهر کم هستند و تأکید می‌کنند بهتر است زنان با اتکا به سنت حضرت رسول صلی الله علیه و آله در تعیین مهریه سخت‌گیری نکنند؛ اما در هر حال در فقه امامیه میزان مهریه با محدودیت همراه نیست و طرفین می‌توانند هر میزان مهری که بخواهند برای زن تعیین کنند. (جلالی، ۱۳۸۹: ۱۸۸)

نظریات مرتبط با تعهد زناشویی

در تبیین مفهوم تعهد زناشویی دو دسته نظریه و مدل وجود دارد: نظریه‌ها و مدل‌هایی که به‌طور عام به تبیین تعهد زناشویی می‌پردازند و نظریه‌ها و مدل‌هایی که تعهد زناشویی را به‌طور خاص تبیین می‌کنند.

ابعاد تعهد زناشویی

تعهد زناشویی یک انگیزه برای ثبات و تداوم رابطه زناشویی است، به‌ویژه که این انگیزه ریشه دارد در احساساتی که فرد علاقه‌مند است که به ازدواجش متعهد و وفادار بماند، یا مجبور است و یا نیاز دارد که به رابطه‌اش ادامه دهد. (هارمون، ۲۰۰۵)

۱- تعهد شخصی

اولین بعد تعهد زناشویی، تعهد شخصی است که تحت عناوین مختلف از جمله: تعهد جاذبه (لوینگر، ۱۹۷۹)، تعهد عاطفی (نای و همکاران، ۱۹۷۳)، تعهد نسبت به همسر (آدامز و جونز، ۱۹۹۷)، تعهد مشتاق (لیدون و کولیجیو، ۱۹۹۷)، سطح رضایت‌مندی (رسبالت، ۱۹۸۶)، تعهد شخصی (جانسون، ۱۹۹۹) و تعهد گرایش (استرچمن و گابل، ۲۰۰۶)، توسط

محققان مختلف ارائه و تبیین شده است. تعهد شخصی به معنی علاقه و تمایل فرد برای تداوم رابطه زناشویی است که مبتنی بر جاذبه و رضایت زناشویی است. (جانسون، ۱۹۹۹)

لیدون و کولیجیو (۱۹۹۷) با ارائه مفهوم «تعهد مشتاق»؛ این بعد را این گونه تعریف نمودند: علاقه و اشتیاق به حفظ رابطه زناشویی، لذت بردن از رابطه، احساس آرامش در زندگی مشترک و پذیرش مسئولیت برای حفظ و تداوم آن. آدامز و جونز (۱۹۹۷، ۱۹۹۹) مفاهیمی از قبیل: عشق، رضایت، فداکاری و سرسپردگی را به عنوان مؤلفه‌های تعهد شخصی ارائه کردند.

۲- تعهد اخلاقی

دومین بعد تعهد زناشویی، تعهد اخلاقی است که تحت عناوین مختلف از جمله: تعهد نسبت به ازدواج (مک دونالد، ۱۹۸۱)، تعهد ضمانت (کوئین، ۱۹۸۲)، التزام اخلاقی (آدامز و جونز، ۱۹۹۷، ۱۹۹۹) و تعهد اخلاقی (لیدون و کولیجیو، ۱۹۹۷؛ آرتیگا، ۱۹۹۱؛ جانسون، ۱۹۹۱، ۱۹۹۶، ۱۹۹۹)، توسط محققان مختلف ارائه و تبیین شده است. بسیاری از مدل‌های نظری تعهد بر این عقیده‌اند که تعهد زناشویی مبتنی است بر یک احساس وفاداری اخلاقی به ازدواج و رابطه زناشویی و این عقیده که ازدواج یک نهاد مقدس است. (شیلدز، ۲۰۰۱) یک نهاد اجتماعی مهم که تضمین‌کننده مراقبت و حمایت بوده و وفاداری و پایداری به آن ارزش شناخته می‌شود. (هارمون، ۲۰۰۵)

برخی از پژوهشگران بر این عقیده‌اند که این بعد از تعهد به کمال اخلاقی و مذهبی افراد مربوط است. در هسته مرکزی این عقیده، این مفهوم وجود دارد که تعهد اخلاقی فرد به ازدواج و همسرش از شرافتمندی فرد که مربوط به قول و قرارهای قبلی و همچنین اعتقادات اخلاقی و مذهبی وی است، نشأت می‌گیرد. (شیلدز، ۲۰۰۱)

به‌طور کلی تعهد اخلاقی تحت تأثیر سه مؤلفه قرار دارد: ۱) تقدس بنیان و نهاد ازدواج، ۲) وفاداری به نوع رابطه زناشویی که به ارزش‌ها و اصول اخلاقی فرد

اشاره دارد و فرد می‌تواند مطابق با اعتقاداتش به ازدواجش خاتمه دهد یا همچنان به آن متعهد باشد و ۳) احساس دین و مروه‌نیت نسبت به یک همسر. (هین اوم، ۲۰۰۳)

جانسون و همکاران (۱۹۹۱) در پژوهش خود دریافتند که دینداری و اعتقادات مذهبی عمدتاً با تعهد اخلاقی زوجین همبستگی بالایی دارد. به نظر می‌رسد که اعتقادات مذهبی و گرایش به معنویت از طریق ارزش‌گذاری روی حفظ و بقای نهاد ازدواج و همچنین از طریق فراهم‌سازی حمایت‌های معنوی باعث تقویت و تحکیم تعهد اخلاقی زوجین در ازدواج می‌گردد. (رابینسون، ۱۹۹۳؛ به نقل از جانسون و همکاران، ۱۹۹۹)

۳- تعهد ساختاری

تعهد ساختاری به‌عنوان سومین بعد تعهد زناشویی در بسیاری از مدل‌های نظری تحت عنوان جنبه اجبارآور تعهد زناشویی با اسامی گوناگون مطرح شده است که عبارت‌اند از: تعهد اجبار (استنلی، ۱۹۸۶)، نیروهای مانع شونده (لوینگر، ۱۹۷۶)، فشار بیرونی (گرین، ۱۹۸۳)، احساس به دام افتادگی (آدامز و جونز، ۱۹۹۷، ۱۹۹۹) و تعهد ساختاری. (جانسون، ۱۹۹۱، ۱۹۹۶، ۱۹۹۹) تعهد ساختاری در ازدواج به موانع و محدودیت‌های موجود در ترک رابطه زناشویی و احساس اجبار به تداوم آن رابطه اشاره دارد. (هارمون، ۲۰۰۵)

در هسته مرکزی این بعد این عقیده وجود دارد که فاکتورهای بیرونی ازدواج اعم از فاکتورهای خیالی یا واقعی ممکن است از فسخ رابطه زناشویی و اختتام ازدواج جلوگیری کنند حتی اگر انگیزه فرد برای اقدام به طلاق و جدایی قوی باشد. (شیلدز، ۲۰۰۱) برعکس تعهد شخصی، تعهد ساختاری به‌عنوان جنبه اجبارآور تعهد زناشویی، زمانی آشکار می‌شود که رضایتمندی زناشویی وجود ندارد یا کاهش یافته است. در این رابطه، فرد علی‌رغم فقدان رضایت زناشویی همچنان تمایل دارد تا به همسر و ازدواجش متعهد بماند به دلیل اجتناب از پیامدهای

طلاق که عبارت‌اند از: نارضایتی و سرزنش خانواده، نارضایتی و سرزنش اطرافیان و دوستان، هزینه‌های مراحل طلاق و از بین رفتن سرمایه‌هایی که در ازدواج صرف شده است. علاوه بر این موارد، زوجین ممکن است در یک ازدواج نارضایت‌بخش باقی بمانند به دلیل نگرانی در مورد فرزندانشان و آینده آنان، همچنین به خاطر اینکه شاید خودشان بعد از طلاق نتوانند یک همسر مناسب پیدا نمایند و حتی از نظر اقتصادی نیازمند دیگران باشند. (شیلدز، ۲۰۰۱)

به نظر می‌رسد تعهد ساختاری بیشتر مربوط به ازدواج‌هایی باشد که در آن زوجین نسبت به یکدیگر تعهد شخصی پایینی دارند. (هارمون، ۲۰۰۵) گالتز و لارسون (۱۹۸۹) در پژوهش خود دریافتند که اعتقادات مذهبی و رضایت از زندگی زناشویی و خانوادگی، پیش‌بینی‌کننده‌های اصلی تعهد ساختاری بودند. گالتز (۱۹۸۷) رابطه سن و تعهد ساختاری را موردبررسی قرار داد. وی در پژوهش خود به این نتیجه رسید زوجینی که هنگام ازدواج بیشتر از ۳۰ سال سن داشتند نسبت به زوجین زیر ۳۰ سال سن، تعهد ساختاری بیشتری را گزارش کردند. (به نقل از گالتز و اوکلاهما، ۲۰۰۴)

نظریه استرنبرگ

استرنبرگ (۱۹۸۴، ۱۹۸۶، ۱۹۸۸، ۱۹۹۷)، نظریه‌ای برای عشق ارائه کرد که «نظریه مثلث عشق» نام گرفت. بر اساس این نظریه، روابط عاشقانه را می‌توان در چهارچوب سه مؤلفه صمیمیت، شور و شهوت، تعهد و شناخت ارزیابی کرد. صمیمیت، مؤلفه هیجانی عشق است که مشارکت، تفاهم متقابل و حمایت عاطفی را شامل می‌شود؛ این مؤلفه ایجادکننده گرمی و پیوند عاطفی است. شهوت، مؤلفه انگیزشی عشق و تحریک‌کننده است که جذابیت جسمانی، بهره‌کشی جنسی و احساس عاشق بودن را در برمی‌گیرد. تعهد، مؤلفه شناختی

عشق است و شامل تصمیم‌های کوتاه‌مدتی می‌شود که عشق به صورت لحظه‌ای ایجاد می‌کند و نیز تعهد طولانی مدت که باعث دوام عشق می‌شود. (به نقل از قمرانی و عباسی مولید، ۱۳۸۷)

مطابق با این تئوری، مؤلفه‌های مذکور در گونه‌های مختلف عشق با هم ترکیب می‌شوند و به هم می‌آمیزند. ویژگی عشق رومانتیک، صمیمیت همراه با شور و شهوت است. ویژگی عشق ابلهانه یا ملاحه آمیز، تعهد است که تنها شور و شهوت به آن دامن می‌زند و عشق کامل یا تمام‌عیار آمیزه‌ای از همه این مؤلفه‌های سه گانه است. (دایر، ۱۳۸۴)

استرنبرگ (۱۹۹۴) در انتقاد از نظریه مثلث عشق و سایر رویکردها، نظریه «عشق به مثابه یک داستان» را مطرح می‌کند و می‌گوید: گاهی دو همسر دو قصه کاملاً متفاوت را پیرامون روابطشان نقل می‌کنند و به نظر می‌رسد که هرگاه این دو قصه تفاوت زیادی با هم داشته باشند، زوجین نیز رضایت کمتری از رابطه خود دارند. این دیدگاه بر این فرض مبتنی است که ما آدمیان گرایش داریم، عاشق کسانی شویم که قصه‌هایشان با قصه ما یکی است یا مشابه آن است؛ اما این افراد از جنبه‌هایی مثل خود ما هستند و از جنبه‌هایی دیگر بالقوه با ما متفاوت‌اند. اگر از سر اتفاق عاشق کسی شویم که قصه‌ای کاملاً متفاوت داشته باشد آن وقت است که هم رابطه ما و عشقی که زیرساخت این رابطه است، وضعیتی متزلزل پیدا می‌کند. (علایی و کرمی، ۱۳۸۶)

مدل سرمایه‌گذاری رسالت

مدل سرمایه‌گذاری برای اولین بار توسط رسالت در سال ۱۹۸۰ مطرح شد. این مدل بر فرایند تعهد زناشویی به‌اندازه شرایط زوال رابطه تمرکز دارد. طرفداران این الگو اعتقاد دارند که تعهد، عامل پیش‌بینی کننده مهمی در عهدشکنی است. تعهد، میزان وسوسه شدن برای عهدشکنی را کاهش می‌دهد و

منابعی برای قادر ساختن افراد برای تغییر تمرکزشان از پیامدهای لذت خواهی کوتاه مدت به لذت خواهی بلند مدت را فراهم می کند.

بنابراین افراد دارای تعهد بالا، احتمالاً بیشتر از عهدشکنی زناشویی اجتناب می کنند، درحالی که افراد با سطوح تعهد پایین تر ممکن است بیشتر درگیر روابط خارج از حیطه زناشویی شوند. مطابق با مدل سرمایه گذاری رسالت، تعهد در زندگی زناشویی از رضایتمندی زناشویی، کیفیت جایگزین ها و سرمایه گذاری ها متأثر می شود. (هارمون، ۲۰۰۵)

الف: رضایتمندی زناشویی: رضایتمندی نوعی ارزشیابی ذهنی از پاداش ها و تنبیه های نسبی است که فرد در یک رابطه تجربه می کند. آن ها تصریح می کنند که تعهد به وسیله میزان رضایتمندی ایجاد شده در رابطه تقویت می شود. برای اینکه افراد سطح رضایتمندی خود را تعیین کنند هزینه ها و پاداش های روابطشان را برآورد می نمایند. مزایا و پاداش های بالقوه با انتظارات فرد در مورد رابطه مقایسه می شود. این استانداردهای شخصی به عنوان معیار سنجش شناخته می شوند. این سطح رضایتمندی عملکردی از سنجش سطح و نتایج رابطه کنونی است: زمانی که نتایج به دست آمده بیش از سطح معیار باشد، فرد از رابطه اش خشنود است، اما زمانی که نتایج به دست آمده پایین تر از استانداردهای درونی باشند، عدم رضایتمندی اتفاق می افتد. (هارمون، ۲۰۰۵).

پژوهش ها در کشورهای غربی نشان داده است که رابطه نامشروع در زنان بیشتر از لحاظ عاطفی نیرو می گیرد و زنانی که عهدشکنی می کنند بیشتر احتمال دارد تا از رابطه زناشویی شان ناراضی باشند. (لی و آگنیز، ۲۰۰۳)

ب: کیفیت جایگزین ها: دومین عامل مؤثر بر تعهد، خصوصیات جایگزین ها است که به ارزیابی ذهنی فرد از پاداش ها و هزینه هایی اشاره دارد که فرد جدا از رابطه

کنونی به دست می‌آورد، مانند گذراندن وقت با دوستان و خانواده یا گذراندن وقت در خلوت و تنهایی. اساساً، خصوصیت جایگزین‌ها با احساس شادمانی بالقوه خارج از رابطه زناشویی رابطه دارد. متعاقباً، داشتن جایگزین‌های جذاب نیرویی بالقوه برای کاهش تعهد زناشویی است. (لی و آگنیز، ۲۰۰۳)

ج: سرمایه‌گذاری‌ها: شکل سوم تعهد، دربردارنده سرمایه‌گذاری ارتباطی است. سرمایه‌گذاری‌ها منابع به‌دست‌آمده ملموس یا واقعی هستند که احتمال زوال رابطه را به‌شدت کاهش می‌دهد. نمونه‌هایی از سرمایه‌گذاری‌های ارتباطی شامل وقت گذاشته شده، دلبستگی عاطفی، دوستان دوطرفه و مالکیت‌های مادی است. بر طبق مدل سرمایه‌گذاری همه این سرمایه‌های باارزش در نیرومند کردن تعهد سهیم هستند. (لی و آگنیز، ۲۰۰۳)

نظریه وابستگی

یکی از تأثیرگذارترین تئوری‌ها روی پژوهش پیرامون روابط زناشویی، نظریه وابستگی است. (استرچمن و گابل، ۲۰۰۶) کلی و تیو (۱۹۷۸) مطرح کردند که پیامدهای تعاملات اجتماعی بر اساس پاداش‌هایی که فرد دریافت می‌کند یا هزینه‌هایی که وی باید متحمل شود، می‌تواند رضایت‌بخش یا غیر رضایت‌بخش باشد. پاداش‌ها تجارب مثبتی هستند که احساس لذت و شادمانی ایجاد می‌کنند که با سلامت هیجانی و عاطفی و احترام به خود همراه‌اند. از طرف دیگر، هزینه‌ها تجارب منفی هستند که به رفتاری‌ها و ناراحتی‌های جسمی و روانی منجر می‌شوند. مطابق با این نظریه، روابط زناشویی زمانی تداوم می‌یابد که تجارب یکی از زوجین، ملاک‌ها و معیارهای قابل قبول هر دو زوج را دارا باشد. اولین معیار برای ارزیابی تجارب فعلی، سطح مقایسه جذابیت و رضایتمندی است. در این ارزیابی، پاداش‌ها و هزینه‌ها باهم مقایسه می‌شوند.

به عبارت دیگر، فرد بر اساس توقعات شخصی خودش از رابطه مشترک و عرف اجتماعی، تجارب فعلی اش را مورد بررسی قرار می دهد تا به میزان پاداش ها و هزینه های ازدواجش پی ببرد. اگر میزان پاداش های به دست آمده بیشتر از میزان هزینه های ازدست رفته باشد، رابطه رضایت بخش و اگر میزان هزینه ها و مشکلات بیشتر از میزان پاداش ها برآورد شود، رابطه غیر رضایت بخش و فاقد جذابیت تلقی می گردد. دومین معیار برای ارزیابی تجارب فعلی، سطح مقایسه جایگزین های در دسترس است.

در این ارزیابی، جایگزین های گوناگون و در دسترس از لحاظ کیفیت مورد مقایسه قرار می گیرند. کیفیت جایگزین ها می تواند از تحمل کردن رابطه زناشویی تا ازدواج مجدد و یا تنها ماندن متغیر باشد. اگر همسری اعتقاد دارد که رابطه زناشویی فعلی اش از هرگونه جایگزین دیگری بهتر است، پس وی به رابطه مشترکش وابسته و به آن متعهد است. به طور کلی، مطابق با نظریه وابستگی می توان گفت که میزان تعهد زوجین به یکدیگر برای حفظ و تداوم ازدواج، تابع سطح مقایسه پاداش ها و هزینه های رابطه و کیفیت جایگزین های در دسترسشان می باشد. (به نقل از استرچمن و گابل، ۲۰۰۶)

نظریه مبادله

نظریه مبادله که نخستین بار جرج هومانز آن را در علوم اجتماعی به کاربرد، روابط اجتماعی به ویژه روابط نزدیک را همانند مبادلات تجاری برحسب مفاهیم سود و زیان و هزینه ها و پاداش ها و مانند آن، تبیین می کند. بر اساس این تئوری، روابط بر پایه تبادل تحسین شکل می گیرند و روابط رضایت بخش و طولانی تر آن هایی هستند که با مشکل کمتر و تحسین بیشتر همراه اند.

صاحب نظران مکتب مبادله توضیح می دهند که چرا روابط زناشویی مسأله دار همیشه انحلال نمی یابند، بلکه ممکن است استمرار پیدا کنند، به گفته آنان ممکن

است همسری به دلیل آنکه پاداش‌های دریافتی او بسیار کمتر از هزینه‌هایش هستند، احساس خشنودی کمتری داشته باشد؛ اما به دلیل آنکه ارزش روابط جایگزین نیز در نظرش پایین است (مثلاً فرصت مناسبی برای ازدواج مجدد ندارد) یا به دلیل آنکه در روابط جاری‌اش سرمایه‌گذاری فراوانی کرده است (مثلاً چندین فرزند را پرورش داده است)، به رابطه زناشویی ادامه دهد. (نجفی و همکاران، ۱۳۸۵)

هومانز پیشنهاد می‌کند که پیش از شروع رابطه باید فواید ایجاد آن رابطه در گذشته، حال، آینده و نیز مشکلات آن را بسنجیم و اگر آن را سودمند دیدیم رابطه آغاز شود و ادامه یابد. به عبارت دیگر، اگر ارزیابی اولیه نشان داد که رابطه سودی در پی نخواهد داشت، رابطه‌ای شکل نخواهد گرفت. این اصل در مورد هر دو طرف صادق است؛ بنابراین رابطه باید سود دو طرفه داشته باشد تا شکل بگیرد و تداوم یابد. هومانز تحسین را تا جایی گسترش می‌دهد که با داوری شخص، هر چیزی ارزشمند باشد و احساس رضایت را در او بیدار کند؛ بنابراین تحسینات شامل مواردی چون ستودن، سرگرمی و دریافت هدایا خواهد شد. مشکلات نیز می‌توانند در هر شکلی متجلی شوند. در واقع هر چیزی که شخص آن را ناراحت‌کننده بداند، از قبیل دعوا، عادات نابهنجار و حتی اجبار همیشگی به پختن غذا ممکن است به عنوان مشکل تلقی شود. (بیات، ۱۳۸۶)

بر اساس گفته هومانز برای جمع‌بندی فواید و زیان‌ها، شادی‌ها و مشکلات، محاسبه‌ای انجام می‌شود تا بهترین نتیجه را برای ما به دنبال داشته باشد که همانا کسب بیشترین فایده و کمترین زیان خواهد بود. شواهد به دست آمده از تحقیقات مؤید این عقیده است که در روابط صمیمانه، احترام و تحسین بیشتر با طولانی بودن دوستی در ارتباط است. زوج‌هایی که روابط تحسین برانگیز بیشتر

و طولانی‌تری داشته‌اند نسبت به زوج‌هایی که روابط تحسین‌آفرین کمتری داشته‌اند بسیار کمتر دچار شکست و ناکامی می‌شوند. (دایر، ۱۳۸۴)

نظریه مبادله اجتماعی این توان را ندارد که سطحی را تعیین کند که در آن سطح، آن‌قدر رابطه نارضایت‌بخش می‌شود که شخص با اینکه رابطه دیگری ندارد که به آن رو کند، از این رابطه روی می‌گرداند. تئوری مبادله اجتماعی باید توقع عمومی که نشان‌دهنده حداقل توقع مردم از رابطه است را شامل شود. به عبارت دیگر، باید سطح توقعی را مشخص کند که شخص با قرار گرفتن در زیر آن حتی اگر رابطه جدیدی نداشته باشد، رابطه قبلی خود را ترک کند. شاید اساسی‌ترین نقد تئوری مبادله اجتماعی این است که مطابق با این نظریه در بسیاری از روابط به جز روابط جنسی طولانی‌مدت، مردم مثل حسابداری که فقط با بالا رفتن سود شاد می‌شود، رفتار کنند. حال سؤال اینجاست که در این روند شادمانی و غم، عاشق شدن یا ترک معشوق در چه جایگاهی قرار می‌گیرد؟ روابط صمیمانه خصوصاً در آغاز و پایان از طریق احساس‌های شدید و پرخرج و اعمال بدون فکر که ذکر نشده‌اند، بیان می‌شوند. همان‌طور که برشید (۱۹۸۳) اشاره کرد، جذابیت همچون معیاری روانی توجه را به خود جلب می‌کند. باین‌وجود، این فرایند در بیشتر اوقات به روابط رومانتیک و نیز روابطی مثل، دوستی، همکاری و همسایگی توجیه مستدلی می‌دهد. در نهایت بعضی از روان‌شناسان به‌طور غیرمستقیم عقیده‌ای که از بطن این روند بیرون کشیده می‌شود را رد می‌کنند. (دایر، ۱۳۸۴)

رضایت زناشویی

بعضی از پژوهشگران رضایت زناشویی را به‌عنوان کیفیت رابطه زناشویی در نظر گرفته‌اند. این احساسات ذهنی می‌تواند به‌عنوان رضایت تلقی شود که

می‌تواند به‌عنوان تداوم رفتارهای واقعی و یا ویژگی‌های ازدواج موردتوجه قرار گیرد. (فقیرپور، ۱۳۸۸)

روابط زناشویی رضایت‌بخش زیربنای عملکرد خوب خانواده است و کشمکش‌های زناشویی می‌تواند بقای خانواده را تهدید کند. همچنین وجود مشکلات حل نشده بر کارکرد خانواده و در نتیجه بر جامعه تأثیر منفی می‌گذارد. برای استحکام و ثبات خانواده عوامل مرتبط با رضایت زناشویی ضروری به نظر می‌رسد (موسوی، ۱۳۸۳)؛ بنابراین در صورت توجه به عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی می‌توان انتظار داشت که با افزایش سطح رضایت زناشویی بسیاری از مشکلات روانی، اجتماعی و عاطفی خانواده‌ها و کل جامعه کاهش می‌یابد. (ثنایی ذاکر، هومن و علاقه‌بند، ۱۳۸۸)

نظریه‌های رضایت زناشویی

حال در این بخش، نظریه‌هایی مانند نظریه سیستم‌ها، مبادله اجتماعی، نظریه رفتاری، نظریه دلبستگی و نظریه بحران به‌عنوان نظریه‌هایی که برای توضیح پویایی روابط بین فردی زوجین به کار می‌روند به‌طور اجمالی پرداخته می‌شود:

نظریه سیستم‌ها

یک رابطه زناشویی را می‌توان به‌عنوان سیستمی از نقش‌های متقابل و تعاملی و شبکه‌های ارتباطی در نظر گرفت. لایه زیرین این سیستم درک رضایت از رابطه است که مشخص می‌کند سیستم قادر به حفظ خود و شکل کنونی‌اش هست یا نه. کنستانتین و بحر (۱۹۸۱؛ به نقل از جانشون، ۲۰۰۵) ساختار سیستم را به‌عنوان مجموع کل روابط بین فردی بین عناصر یک سیستم، شامل عضویت در سیستم و مرز بین سیستم و محیط می‌داند. نظریه سیستم راهی برای نگرستن به

دنیایی است که در آن افراد با هم روابط بین فردی داشته و به توضیح رفتار سیستم‌های سازمان‌یافته پیچیده، هم چون روابط بین زوجین، کمک می‌کند. نظریه سیستم‌ها اساس خوبی برای بررسی الگوهای فعالیت زوج و تأثیر آن‌ها بر رضایت زناشویی است. مشخص کردن این‌که رابطه همسران یک سیستم است و استفاده از دیدگاه سیستم‌ها آگاهی از چگونگی و چرایی کارکرد روابط سیستمی و این‌که چطور به بهترین شکل با مسائلی هم چون ارتباطات، رشد، سازگاری، ایجاد مرزها و محدودیت‌ها، نقش‌ها، اهداف و تعاملات با همدیگر برخورد کنیم را افزایش می‌دهد. (جانسون، ۲۰۰۵)

نظریه مبادله اجتماعی

نظریه مبادله اجتماعی بیان می‌کند؛ روابط رشد می‌کنند، توسعه می‌یابند، محو می‌شوند و به‌عنوان پیامد یک فرایند تبادل اجتماعی آشکار منحل می‌شوند که ممکن است به‌عنوان دادوستد پاداش‌ها و هزینه‌ها بین زوجین و بین دیگران تلقی شود. (هوستن و برگس، ۱۹۷۹؛ به نقل از آلن و ایبی، ۲۰۰۳) نظریه مبادله اجتماعی بر حفظ یا انحلال یک رابطه بر نحوه تبادل پاداش‌ها و هزینه‌های بین اعضای رابطه مبتنی است. به عبارت دیگر، حفظ یا انحلال یک رابطه بستگی به این دارد که اعضای یک رابطه چگونه هزینه‌ها یا پاداش‌های مربوط به ادامه یا خاتمه رابطه را ارزیابی می‌کنند. در نتیجه، حاصل محاسبه آگاهانه و ناخودآگاه هزینه‌ها و مزایای مربوط به ادامه یا خاتمه یک رابطه، وضعیت آن رابطه را تعیین می‌کند. افراد به دنبال مبادلات پاداش‌دهنده هستند. واضح است که فرد در یک رابطه‌ای می‌ماند که جاذبه‌های درونی آن ازدواج قوی‌تر از جاذبه‌های بیرونی آن باشد. (راسبالت و ونلانگ، ۲۰۰۳)

نظریه رفتاری

نظریه‌های رفتاری ازدواج، خاستگاه‌شان در کنار تأییدات و تشویقات است. تمرکز نظریه تبادل اجتماعی بر روابط بین فردی است. رضایت زناشویی نتیجه وزن‌دهی جاذبه‌ها و جایگزین‌های هر یک از افراد بوده و جاذبه‌ها و جایگزین‌ها به‌عنوان جنبه‌های درک شده و نه جنبه‌های عملی ادراک می‌شود. (گاتمن، ۱۹۹۰؛ به نقل از جانسون، ۲۰۰۵) اگرچه پاداش‌ها و هزینه‌ها نیز بخشی از نظریه رفتاری است؛ اما تمرکز اصلی بر مبادله بین فردی رفتارهای خاص است. این رویکرد از آن جهت که شیوه‌ای برای تبیین این‌که چگونه قضاوت و داوری درباره رضایت زناشویی با گذشت زمان تغییر می‌یابد را ارائه می‌نماید، رویکردی قوی می‌باشد. این رویکرد به زوجین اجازه می‌دهد تا بر اساس تعاملاتشان و ارزیابی از این تعاملات برآورد کنند که آیا آن‌ها در یک رابطه پاداش‌دهنده هستند یا نه. (بلسکی، ۱۹۹۱؛ به نقل از جانسون، ۲۰۰۵)

نظریه دلبستگی

نظریه دلبستگی، کار جان بالبی (۱۹۶۹، به نقل از جانسون، ۲۰۰۵) بر روی روابط بین نوزادان و مراقبت اولیه‌شان است که از آن نظریه دلبستگی منشعب شد. بالبی در پژوهش خود عنوان کرد که ماهیت این رابطه صمیمی اولیه، ماهیت روابط صمیمی یک فرد را در سرتاسر زندگی تعیین می‌کند. هازن و شیور (۱۹۹۴) و شیور، هازن و برادشاو (۱۹۸۸) از اولین کسانی بودند که نظریه دلبستگی را در مورد روابط بزرگسالان به کار گرفتند. آن‌ها اعتقاد داشتند که روابط نزدیک و صمیمی را در مورد روابط بزرگسالان به کار گرفتند. آن‌ها اعتقاد داشتند که روابط نزدیک و صمیمی بین بزرگسالان شیوه‌های ثابت و پایدار دلبستگی را که در دوران نوزادی و کودکی ایجاد شده، منعکس می‌کند. این دیدگاه تأکید می‌کند که تجارب اولیه افراد

در روابط نزدیک، ماهیت و ایجاد روابط آینده در دوران بزرگسالی را شکل می‌دهد. رضایت از رابطه در دوره بزرگسالی تا حد زیادی به ارضای نیازهای اساسی مربوط به آسایش، مراقبت و کامروایی جنسی بستگی دارد. موفقیت در رابطه بستگی به این دارد که آیا هر زوج اطمینان دارد که شریکش می‌تواند این نیازها را برآورده کند یا نه. (جانسون، ۲۰۰۵)

روش تحقیق

این پژوهش از نوع کمی و روش آن توصیفی و از نوع علی مقایسه‌ای است. تحقیق علی - مقایسه‌ای (Causal-comparative research) یک روش پژوهش علمی است که در آن پژوهشگر با توجه به متغیر وابسته به بررسی علل احتمالی وقوع آن می‌پردازد. به عبارت دیگر تحقیقات علی گذشته‌نگر بوده و سعی بر آن دارد که از معلول به علت احتمالی پی برد. به این تحقیقات گاهی تحقیق پس‌رویدادی (Ex-Post Facto) نیز گفته می‌شود؛ زیرا علت و معلول (متغیر مستقل و وابسته) پس از وقوع مورد بررسی قرار می‌گیرد. استفاده از این طرح به این دلیل است که در برخی مواقع علت خصیصه بوده و قابل دست‌کاری نمی‌باشد، مانند جنسیت. در بعضی از مواقع دیگر علت خصیصه‌ای نیست؛ ولی دست‌کاری آن‌ها از کنترل پژوهشگر خارج و یا غیرانسانی است. تحقیق علی در دسته‌بندی انواع روش تحقیق در زیرمجموعه تحقیق توصیفی قرار می‌گیرد.

پژوهش علی - مقایسه‌ای تقریباً همیشه شامل موارد زیر است:

- روش یا مجموعه‌ای از روش‌ها برای شناسایی روابط علت و معلولی؛
- مجموعه‌ای از افراد (نهاده‌ها) که به‌طور تصادفی انتخاب نشده‌اند، برای شرکت در این مطالعه خاص در نظر گرفته شده‌اند.

- متغیرها در دو یا چند گروه نمایش داده می‌شوند؛ زیرا نمی‌توانند کمتر از دو گروه باشند، در غیر این صورت تفاوتی بین آن‌ها وجود ندارد.
- متغیرهای مستقل دستکاری نمی‌شوند؛ زیرا نمی‌توان متغیر مستقل را به‌طور کامل کنترل کرد.

در این‌گونه تحقیقات، کشف علت‌ها یا عوامل بروز یک رویداد یا حادثه یا پدیده مورد نظر است؛ بنابراین، پس از آنکه واقعه‌ای روی داد، تحقیق درباره آن شروع می‌شود. در اینجا پژوهشگر در متغیرها دخل و تصرفی نداشته، اساساً حضور ندارد و آن‌ها را نمی‌شناسد، بلکه تحقیق علی را انجام می‌دهد تا این متغیرها و عواملی را که باعث بروز واقعه شده است؛ شناسایی کند. تحقیقات علی معمولاً از نوع کاربردی هستند و نتایج آن‌ها برای جلوگیری از تکرار حوادث و وقایع نامطلوب، یا توسعه وقایع و حوادث مطلوب مورد استفاده قرار می‌گیرد. تحقیقات علی از جهتی به تحقیقات تاریخی شباهت دارد؛ زیرا پژوهشگر باید اسناد و مدارک را جمع‌آوری و واقعه را بازسازی نماید تا بتواند علت یا علل را تشخیص دهد.

کلینجر معتقد است که تحقیق پس‌رویدادی؛ عبارت است از مطالعه عینی و منظمی که در آن پژوهشگر کنترل مستقیم بر متغیر مستقل ندارد. این نوع تحقیقات به علت آنکه برخی از متغیرها خصیصه‌ای بوده و قابل دستکاری می‌باشند (مانند جنسیت) و اگر قابل دستکاری باشند این دستکاری غیراخلاقی و غیرانسانی است؟ مورد توجه قرار گرفته‌اند. روش علی مقایسه، ساده‌ترین روش کمی برای روابط علی معلولی پدیده‌ها است این روش شامل روش خاص تحلیل اطلاعات برای پیدا کردن روابط بین متغیرها است.

این روش با عنوان پس‌رویدادی اولین با توسط چاپین در سال ۱۹۳۷ و بعدها توسط گروین (۱۹۴۵) به‌طور گسترده مورد استفاده قرار گرفت. این پژوهش با عنوان‌ها و با معادل‌هایی مانند گذشته‌نما، علش یا معلول به علت به کار برده می‌شود. به‌طور کلی یک تحقیق علی مطلوب آن است که پژوهشگر سه دسته متغیر یا عامل را که در بروز حادثه مؤثر بوده، شناسایی کند. این سه دسته عبارت‌اند از:

- متغیرهای اصلی که نقش مؤثر و مثبتی در بروز پدیده داشته‌اند.
- متغیرهایی که نقشی بازدارنده و منفی در بروز پدیده داشته‌اند.
- متغیرهای زمینه‌ساز که هموار کننده راه برای اثرگذاری متغیرهای اصلی بوده، از خاصیت تسهیل‌کنندگی برخوردارند.

تحقیقات علی - مقایسه‌ای به دو نوع تقسیم می‌شوند:

- پژوهش علی - مقایسه‌ای گذشته‌نگر؛ شامل بررسی یک مسأله خاص پس از بروز اثرات است. تلاشی است برای دیدن اینکه آیا یک متغیر خاص بر متغیر دیگری تأثیر می‌گذارد یا خیر.

- پژوهش علی - مقایسه‌ای آینده‌نگر؛ مشخصه این نوع پژوهش‌ها ابتکار محقق است و با هدف شروع می‌شود و برای تجزیه و تحلیل اثرات یک وضعیت معین تعیین می‌شود. این نوع تحقیقات بسیار کمتر از نوع تحقیقات گذشته‌نگر است.

- پژوهش علی - مقایسه‌ای بر روابط متکی نیست. در عوض، این پژوهش‌ها دو گروه را با هم مقایسه می‌کنند تا دریابند که آیا متغیر مستقل بر نتیجه متغیر وابسته تأثیر می‌گذارد یا خیر.

یافته‌های پژوهش

هدف از پژوهش حاضر، بررسی تفاوت نقد یا نسیه‌بودگی مهریه در میزان دلبستگی و تعهد زناشویی زوجین بود. در این فصل نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها ارائه شده است.

اطلاعات جمعیت شناختی

در جدول ۴-۱ میانگین و انحراف استاندارد سن اعضای گروه به تفکیک گروه خانواده‌های با وضعیت دریافت مهریه و عدم دریافت مهریه گزارش شده است.

جدول ۴-۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناسی گروه نمونه

متغیر	مهریه نگرفته			مهریه گرفته		
	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
سن	12	39/08	5/30	12	38/42	6/96

میانگین و انحراف استاندارد سن اعضای گروه نمونه در گروه خانواده‌های با وضعیت عدم دریافت مهریه (39/08 (5/30 و در خانواده‌های با وضعیت دریافت مهریه 38/42(6/96 بود.

۱۲ نفر از اعضای گروه نمونه در گروه مهریه نگرفته و ۱۲ نفر در گروه مهریه گرفته قرار داشتند.

یافته‌های توصیفی

در این بخش میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش (تعهد زناشویی، کارکرد خانواده و زیر مقیاس‌های آنها) گزارش شده است.

جدول ۴-۲ میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش به تفکیک
دو گروه نقد و نسبه بودگی مهریه

گروه								
مهریه گرفته				مهریه نگرفته				
کمترین نمره	بیشترین نمره	انحراف استاندارد	میانگین	کمترین نمره	بیشترین نمره	انحراف استاندارد	میانگین	
79	199	35/23	143/83	146	201	18/21	179/42	تعهد زناشویی
18	46	8/56	35/50	33	50	5/79	43/58	تعهد به همسر
20	56	10/82	40/42	36	54	5/36	45/83	تعهد به ازدواج
33	97	20/46	67/92	76	103	8/96	90	احساس تعهد
79	199	27/07	157/42	146	201	18/36	178/17	کارکرد خانواده
98	201	2/50	16/50	146	208	1/43	18/67	حل مسأله
13	22	2/17	19	15	21	2/34	19/25	روابط
14	22	4/95	21/83	13	21	3/43	25/83	نقش‌ها
10	27	3/94	18/58	21	33	3/58	20/92	پاسخگویی اثربخش
13	26	4/58	19/67	15	26	2/84	23/92	درگیری اثربخش
12	28	5/07	27/33	19	28	3/16	28/83	کنترل رفتاری
14	34	8/12	34/50	24	34	6/43	40/75	کارکرد کلی

میانگین و انحراف استاندارد تعهد زناشویی و کارکرد خانواده در گروه
نسبه‌بودگی مهریه به ترتیب (179/42(18/21 و (178/17(18/36 و در گروه
نقدبودگی مهریه به ترتیب (143/83(35/23 و (157/42(27/07 بود.

میانگین و انحراف استاندارد زیر مقیاس‌های تعهد زناشویی شامل تعهد به
همسر، تعهد به ازدواج و احساس تعهد در گروه نسبه‌بودگی مهریه به ترتیب

45/58 (5/79)، 45/83 (5/36) و 90 (8/96) و در گروه نقدبودگی مهریه به ترتیب 35/50 (8/56)، 40/42(10/82) و 67/92(20/96) بود.

میانگین و انحراف استاندارد زیر مقیاس‌های کارکرد خانواده شامل حل مسأله، روابط، نقش‌ها، پاسخگویی اثربخش، درگیری اثربخش، کنترل رفتاری و کارکرد کلی به ترتیب در گروه نسیه‌بودگی مهریه به ترتیب (1/43) 18/67، 19/25 (2/34)، 25/83 (3/43)، 20/92(3/58)، 23/92(2/84)، 28/83(3/16) و 40/75(6/43) و در گروه نقدبودگی مهریه به ترتیب (2/50) 16/50، (2/17) 19، (4/95) 21/83، (3/94) 18/58، (4/58) 19/67 و (5/07) 27/33 و (8/12) 34/50 بود.

یافته‌های استنباطی

در این بخش بررسی نرمال بودن داده‌ها و نتایج تجزیه و تحلیل سؤالات پژوهش گزارش شده است.

بررسی نرمال بودن داده‌ها

جهت بررسی نرمال بودن داده‌ها از آزمون شاپیرو ویلک استفاده شد. نتایج در جدول ۴-۳ گزارش شده است.

جدول ۴-۳ آزمون نرمال بودن داده‌ها

شاپیرو ویلک			گروه	
P<	درجه آزادی	آماره		
.052	12	.862	مهریه نگرفته	تعهد به همسر
.355	12	.928	مهریه گرفته	
.850	12	.965	مهریه نگرفته	تعهد به ازدواج
.636	12	.950	مهریه گرفته	
.675	12	.953	مهریه نگرفته	احساس تعهد
.674	12	.952	مهریه گرفته	
.164	12	.901	مهریه نگرفته	تعهد زناشویی
.992	12	.983	مهریه گرفته	

گروه	شاپیرو و ویلک		
	آماره	درجه آزادی	P<
نمره کل کارکرد خانواده	مهریه نگرفته	12	.699
	مهریه گرفته	12	.504
حل مسأله	مهریه نگرفته	12	.022
	مهریه گرفته	12	.214
روابط	مهریه نگرفته	12	.003
	مهریه گرفته	12	.093
نقش‌ها	مهریه نگرفته	12	.779
	مهریه گرفته	12	.081
پاسخگویی اثربخش	مهریه نگرفته	12	.338
	مهریه گرفته	12	.409
درگیری اثربخش	مهریه نگرفته	12	.718
	مهریه گرفته	12	.724
کنترل رفتاری	مهریه نگرفته	12	.794
	مهریه گرفته	12	.042
کارکرد کلی	مهریه نگرفته	12	.251
	مهریه گرفته	12	.076

نتایج نشان داد که پراکندگی نمرات متغیرهای تعهد زناشویی و کارکرد خانواده در گروه‌های خانواده‌های با وضعیت پرداخت مهریه و عدم پرداخت مهریه نرمال است ($p>0/01$). همچنین، پراکندگی نمرات زیر مقیاس‌های تعهد زناشویی (تعهد به همسر، تعهد به ازدواج و احساس تعهد) نرمال است ($p>0/01$).

پراکندگی نمرات زیر مقیاس‌های کارکرد خانواده (حل مسأله، نقش‌ها، پاسخگویی اثربخش، درگیری اثربخش، کنترل رفتاری و کارکرد کلی) به‌جز زیر مقیاس روابط، نرمال است ($p>0/01$).

با توجه به نتایج آزمون نرمالیتی شاپیرو و ویلک، می‌توان برای بررسی سؤالات پژوهش در همه متغیرها به‌جز زیر مقیاس روابط از آزمون تی مستقل استفاده کرد. جهت بررسی تفاوت دو گروه خانواده با وضعیت نقذبودگی و نسیه‌بودگی مهریه

در میزان زیرمقیاس روابط کارکرد خانواده، از آزمون غیرپارامتریک یومان ویتنی استفاده شد.

بررسی سؤالات پژوهش

- آیا بین دو گروه خانواده با وضعیت نقدبودگی و نسیه‌بودگی مهریه در میزان تعهد زناشویی تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟

۱۲ شرکت‌کننده در گروه خانواده‌های با وضعیت عدم پرداخت مهریه و ۱۲ شرکت‌کننده در گروه نقدبودگی مهریه قرار داشتند. جهت آزمون معناداری تفاوت بین میانگین تعهد زناشویی در دو گروه خانواده‌ها با وضعیت مهریه پرداخت شده و پرداخت نشده، از آزمون تی مستقل استفاده گردید. نتایج در جدول ۴-۴ گزارش شده است.

جدول ۴-۴ مقایسه میزان تعهد زناشویی در دو گروه نقد و نسیه‌بودگی مهریه

P	t	درجه آزادی	آزمون لون برای سنجش همگنی واریانس		گروه				تعهد زناشویی
					مهریه گرفته		مهریه نگرفته		
			p	F	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	
0/005	3/11	22	0/080	3/37	35/23	143/83	18/21	179/42	

نتایج آزمون تی مستقل نشان داد که میزان تعهد زناشویی در خانواده‌های با وضعیت عدم پرداخت مهریه ($179/42 \pm 18/21$) به‌طور معنی‌داری بیشتر از خانواده‌های با وضعیت پرداخت مهریه ($143/83 \pm 35/23$) بوده است ($t=3/11, p=0/005$).

بررسی تفاوت دو گروه خانواده با وضعیت نقدبودگی و نسیه‌بودگی مهریه در

میزان زیرمقیاس های تعهد زناشویی

- آیا بین دو گروه خانواده با وضعیت نقدبودگی و نسیه‌بودگی مهریه در میزان تعهد به همسر تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟

۱۲ شرکت‌کننده در گروه خانواده‌های با وضعیت عدم پرداخت مهریه و ۱۲ شرکت‌کننده در گروه نقدبودگی مهریه قرار داشتند. جهت آزمون معناداری تفاوت بین میانگین تعهد به همسر در دو گروه خانواده‌ها با وضعیت مهریه پرداخت‌شده و پرداخت‌نشده، از آزمون تی مستقل استفاده گردید. نتایج در جدول ۴-۵ گزارش شده است.

جدول ۴-۵ مقایسه میزان تعهد به همسر در دو گروه نقد و نسیه‌بودگی مهریه

P	t	درجه آزادی	آزمون لون برای سنجش همگنی واریانس		گروه				تعهد به همسر
					مهریه گرفته		مهریه نگرفته		
			p	F	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	
0/013	2/71	22	0/096	3/02	8/56	35/50	5/79	43/58	

نتایج آزمون تی مستقل نشان داد که میزان تعهد به همسر در خانواده‌های با وضعیت عدم پرداخت مهریه ($43/58 \pm 5/79$) به‌طور معنی‌داری بیشتر از خانواده‌های با وضعیت پرداخت مهریه ($35/50 \pm 8/56$) بوده است ($t=2/71, p=0/013$).

- آیا بین دو گروه خانواده با وضعیت نقدبودگی و نسیه‌بودگی مهریه در میزان تعهد به ازدواج تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟

۱۲ شرکت‌کننده در گروه خانواده‌های با وضعیت عدم پرداخت مهریه و ۱۲ شرکت‌کننده در گروه نقدبودگی مهریه قرار داشتند. جهت آزمون معناداری تفاوت بین میانگین تعهد به ازدواج در دو گروه خانواده‌ها با وضعیت مهریه پرداخت‌شده و پرداخت‌نشده، از آزمون تی مستقل استفاده گردید. نتایج در جدول ۴-۶ گزارش شده است.

جدول ۴-۶ مقایسه میزان تعهد به ازدواج در دو گروه نقد و نسیه‌بودگی مهریه

P	t	درجه آزادی	آزمون لون برای سنجش همگنی واریانس		گروه				تعهد به ازدواج
					مهریه گرفته		مهریه نگرفته		
			p	F	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	
0/139	1/55	16/09	0/025	5/79	10/82	40/42	5/36	45/83	

نتایج آزمون تی مستقل نشان داد که میزان تعهد به ازدواج در دو گروه خانواده‌های با وضعیت نقدبودگی ($40/42 \pm 10/82$) و نسیه‌بودگی مهریه ($45/83 \pm 5/36$) تفاوت معنی‌داری با یکدیگر نداشت ($t=1/55, p=0/139$).

– آیا بین دو گروه خانواده با وضعیت نقدبودگی و نسیه‌بودگی مهریه در میزان احساس تعهد تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟

۱۲ شرکت‌کننده در گروه خانواده‌های با وضعیت عدم پرداخت مهریه و ۱۲ شرکت‌کننده در گروه نقدبودگی مهریه قرار داشتند. جهت آزمون معناداری تفاوت بین میانگین احساس تعهد در دو گروه خانواده‌ها با وضعیت مهریه پرداخت شده و پرداخت نشده، از آزمون تی مستقل استفاده گردید. نتایج در جدول ۴-۷ گزارش شده است.

جدول ۴-۷ مقایسه میزان احساس تعهد در دو گروه نقد و نسیه‌بودگی مهریه

P	t	درجه آزادی	آزمون لون برای سنجش همگنی ولاریانس		گروه				احساس تعهد
					مهریه گرفته		مهریه نگرفته		
			p	F	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	
0/004	3/42	15/07	0/013	7/37	20/46	67/92	8/96	90	

نتایج آزمون تی مستقل نشان داد که میزان احساس تعهد در خانواده‌های با وضعیت عدم پرداخت مهریه ($90 \pm 8/96$) به‌طور معنی‌داری بیشتر از خانواده‌های با وضعیت پرداخت مهریه ($67/92 \pm 20/46$) بوده است ($t=3/42, p=0/004$).

– آیا بین دو گروه خانواده با وضعیت نقدبودگی و نسیه‌بودگی مهریه در میزان کارکرد خانواده تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟

جهت آزمون معناداری تفاوت بین میانگین کارکرد خانواده در دو گروه خانواده‌ها با وضعیت مهریه پرداخت شده و پرداخت نشده، از آزمون تی مستقل استفاده گردید. نتایج در جدول ۴-۸ گزارش شده است.

جدول ۴-۸ مقایسه میزان کارکرد خانواده در دو گروه نقد و نسیه‌بودگی مهریه

P	t	درجه آزادی	آزمون لون برای سنجش همگنی واریانس		گروه				کارکرد خانواده
					مهریه گرفته		مهریه نگرفته		
			p	F	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	
0/039	2/20	22	0/489	0/49	27/07	157/42	18/36	178/17	

نتایج آزمون تی مستقل نشان داد که میزان کارکرد خانواده در خانواده‌های با وضعیت عدم پرداخت مهریه ($178/17 \pm 18/36$) به‌طور معنی‌داری بیشتر از خانواده‌های با وضعیت پرداخت مهریه ($157/42 \pm 27/07$) بوده است ($t=2/20, p=0/039$).

بررسی تفاوت دو گروه خانواده با وضعیت نقدبودگی و نسیه‌بودگی مهریه در

میزان زیرمقیاس های تعهد زناشویی

– آیا بین دو گروه خانواده با وضعیت نقدبودگی و نسیه‌بودگی مهریه در میزان

زیرمقیاس حل مسأله تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟

جهت آزمون معناداری تفاوت بین میانگین حل مسأله در دو گروه خانواده‌ها با وضعیت مهریه پرداخت شده و پرداخت نشده، از آزمون تی مستقل استفاده گردید. نتایج در جدول ۴-۹ گزارش شده است.

جدول ۴-۹ مقایسه میزان حل مسأله در دو گروه نقد و نسیه‌بودگی مهریه

P	t	درجه آزادی	آزمون لون برای سنجش همگنی واریانس		گروه				حل مسأله
					مهریه گرفته		مهریه نگرفته		
			p	F	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	
0/016	2/60	22	0/123	2/57	2/50	16/50	1/43	18/67	

نتایج آزمون تی مستقل نشان داد که میزان حل مسأله در خانواده‌های با وضعیت عدم پرداخت مهریه ($1/67 \pm 1/43$) به‌طور معنی‌داری بیشتر از خانواده‌های با وضعیت پرداخت مهریه ($16/50 \pm 2/50$) بوده است ($t=2/60, p=0/016$).

- آیا بین دو گروه خانواده با وضعیت نقدبودگی و نسیه‌بودگی مهریه در میزان زیرمقیاس روابط تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟

جهت آزمون معناداری تفاوت بین میزان نمرات روابط در دو گروه خانواده‌ها با وضعیت مهریه پرداخت شده و پرداخت نشده، از آزمون ناپارامتریک یومان ویانی استفاده شد. نتایج در جدول ۴-۱۰ گزارش شده است.

جدول ۴-۱۰ مقایسه میزان روابط در دو گروه نقد و نسیه‌بودگی مهریه

P	z	U	گروه						
			مهریه گرفته			مهریه نگرفته			
			میان	انحراف استاندارد	میانگین	میان	انحراف استاندارد	میانگین	
0/713	0/41	65	18/5	2/17	19	20	2/34	19/25	روابط

نتایج آزمون یو من ویتی نشان داد که میانه نمرات زیرمقیاس روابط در خانواده‌های با وضعیت عدم پرداخت مهریه (20) تفاوت معنی داری با خانواده‌های با وضعیت پرداخت مهریه (18/5) نداشت ($U=65, z=-0/41, p=0/713$).

- آیا بین دو گروه خانواده با وضعیت نقدبودگی و نسبه‌بودگی مهریه در میزان زیرمقیاس نقش‌ها تفاوت معنی داری وجود دارد؟

جهت آزمون معناداری تفاوت بین میانگین زیر مقیاس نقش‌ها در دو گروه خانواده‌ها با وضعیت مهریه پرداخت‌شده و پرداخت‌نشده، از آزمون تی مستقل استفاده گردید. نتایج در جدول ۴-۱۱ گزارش شده است.

جدول ۴-۱۱ مقایسه میزان نقش‌ها در دو گروه نقد و نسبه‌بودگی مهریه

P	t	درجه آزادی	آزمون لون برای سنجش همگنی واریانس		گروه				نقش‌ها
					مهریه گرفته		مهریه نگرفته		
			p	F	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	
0/031	2/30	22	0/329	0/99	4/95	21/83	3/43	25/83	نقش‌ها

نتایج آزمون تی مستقل نشان داد که میزان زیرمقیاس نقش‌ها در خانواده‌های با وضعیت عدم پرداخت مهریه ($25/83 \pm 3/43$) به‌طور معنی داری بیشتر از خانواده‌های با وضعیت پرداخت مهریه ($21/83 \pm 4/95$) بوده است ($t=2/30, p=0/031$).

- آیا بین دو گروه خانواده با وضعیت نقدبودگی و نسبه‌بودگی مهریه در میزان زیرمقیاس پاسخگویی اثربخش تفاوت معنی داری وجود دارد؟

جهت آزمون معناداری تفاوت بین میانگین زیر مقیاس پاسخ‌گویی اثربخش در دو گروه خانواده‌ها با وضعیت مهریه پرداخت‌شده و پرداخت‌نشده، از آزمون تی مستقل استفاده گردید. نتایج در جدول ۴-۱۲ گزارش شده است.

جدول ۴-۱۲ مقایسه میزان پاسخ‌گویی اثربخش در دو گروه نقد و نسیه‌بودگی مهریه

P	t	درجه آزادی	آزمون لون برای سنجش همگنی واریانس		گروه				پاسخگویی اثربخش
					مهریه گرفته		مهریه نگرفته		
			p	F	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	
0/143	1/52	22	0/678	0/18	3/94	18/58	3/58	20/92	

نتایج آزمون تی مستقل نشان داد که میزان زیرمقیاس پاسخ‌گویی اثربخش در خانواده‌های با وضعیت عدم پرداخت مهریه ($20/92 \pm 3/58$) تفاوت معنی‌داری با خانواده‌های با وضعیت پرداخت مهریه ($18/58 \pm 3/94$) نداشت ($t=1/52, p=0/143$).
- آیا بین دو گروه خانواده با وضعیت نقدبودگی و نسیه‌بودگی مهریه در میزان زیرمقیاس درگیری اثربخش تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟

جهت آزمون معناداری تفاوت بین میانگین زیر مقیاس درگیری اثربخش در دو گروه خانواده‌ها با وضعیت مهریه پرداخت شده و پرداخت نشده، از آزمون تی مستقل استفاده گردید. نتایج در جدول ۴-۱۳ گزارش شده است.

جدول ۴-۱۳ مقایسه میزان درگیری اثربخش در دو گروه نقد و نسیه‌بودگی مهریه

P	t	درجه آزادی	آزمون لون برای سنجش همگنی ولاریانس		گروه				درگیری اثربخش
					مهریه گرفته		مهریه نگرفته		
			p	F	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	
0/012	2/73	22	0/279	1/23	4/58	19/67	2/84	23/92	

نتایج آزمون تی مستقل نشان داد که میزان زیرمقیاس درگیری اثربخش در خانواده‌های با وضعیت عدم پرداخت مهریه ($23/92 \pm 2/84$) به‌طور معنی‌داری بیشتر از خانواده‌های با وضعیت پرداخت مهریه ($19/67 \pm 4/58$) بوده است ($t=2/73, p=0/012$).

- آیا بین دو گروه خانواده با وضعیت نقدبودگی و نسیه‌بودگی مهریه در میزان زیرمقیاس کنترل رفتاری تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟

جهت آزمون معناداری تفاوت بین میانگین زیر مقیاس کنترل رفتاری در دو گروه خانواده‌ها با وضعیت مهریه پرداخت شده و پرداخت نشده، از آزمون تی مستقل استفاده گردید. نتایج در جدول ۴-۱۴ گزارش شده است.

جدول ۴-۱۴ مقایسه میزان کنترل رفتاری در دو گروه نقد و نسیه‌بودگی مهریه

P	t	درجه آزادی	آزمون لون برای سنجش همگنی واریانس		گروه				کنترل رفتاری
					مهریه گرفته		مهریه نگرفته		
			p	F	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	
0/394	0/87	22	0/535	0/40	5/07	27/33	3/16	28/83	

نتایج آزمون تی مستقل نشان داد که میزان زیرمقیاس کنترل رفتاری در خانواده‌های با وضعیت عدم پرداخت مهریه ($28/83 \pm 3/16$) تفاوت معنی‌داری با خانواده‌های با وضعیت پرداخت مهریه ($27/33 \pm 5/07$) نداشت ($t=0/87, p=0/394$).

- آیا بین دو گروه خانواده با وضعیت نقدبودگی و نسیه‌بودگی مهریه در میزان زیرمقیاس کارکرد کلی تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟

جهت آزمون معناداری تفاوت بین میانگین زیر مقیاس کارکرد کلی در دو گروه خانواده‌ها با وضعیت مهریه پرداخت شده و پرداخت نشده، از آزمون تی مستقل استفاده گردید. نتایج در جدول ۴-۱۵ گزارش شده است.

جدول ۴-۱۵ مقایسه میزان کارکرد کلی در دو گروه نقد و نسیه‌بودگی مهریه

P	t	درجه آزادی	آزمون لون برای سنجش همگنی واریانس		گروه				کارکرد کلی
					مهریه گرفته		مهریه نگرفته		
			p	F	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	
0/048	2/09	22	0/611	0/27	8/12	34/50	6/43	40/75	

نتایج آزمون تی مستقل نشان داد که میزان زیرمقیاس کارکرد کلی در خانواده‌های با وضعیت عدم پرداخت مهریه ($40/75 \pm 6/43$) به‌طور معنی‌داری بیشتر از خانواده‌های با وضعیت پرداخت مهریه ($34/50 \pm 8/12$) بوده است ($t=2/09, p=0/048$).

نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی تفاوت نقد یا نسیه بودگی مهریه در میزان دلبستگی و تعهد زناشویی زوجین بود. مهم ترین سؤالات این پژوهش عبارت بودند از:

آیا بین دو گروه خانواده با وضعیت نقد یا نسیه بودگی مهریه در میزان تعهد زناشویی تفاوت معنی داری وجود دارد؟

۱۲ شرکت کننده در گروه خانواده های با وضعیت عدم پرداخت مهریه و ۱۲ شرکت کننده در گروه نقدبودگی مهریه قرار داشتند. جهت آزمون معناداری تفاوت بین میانگین تعهد زناشویی و زیرمقیاس های آن در دو گروه خانواده ها با وضعیت مهریه پرداخت شده و پرداخت نشده، از آزمون تی مستقل استفاده گردید. نتایج آزمون تی مستقل نشان داد که میزان تعهد زناشویی در خانواده های با وضعیت عدم پرداخت مهریه ($21/18 \pm 42/179$) به طور معنی داری بیشتر از خانواده های با وضعیت پرداخت مهریه ($23/83 \pm 35/143$) بوده است ($t=3/11, p=0/005$). همچنین، میزان تعهد به همسر و احساس تعهد در خانواده های با وضعیت عدم پرداخت مهریه ($96/90 \pm 8, 79/58 \pm 5/43$) به طور معنی داری بیشتر از خانواده های با وضعیت پرداخت مهریه ($56/8 \pm 50/35, 46/20 \pm 92/67$) بوده است. میزان تعهد به ازدواج در دو گروه خانواده های با وضعیت نقدبودگی و نسیه بودگی مهریه تفاوت معنی داری نداشت ($t=1/55, p=0/139$).

آیا بین دو گروه خانواده با وضعیت نقد یا نسیه بودگی مهریه در میزان کارکرد خانواده تفاوت معنی داری وجود دارد؟

جهت آزمون معناداری تفاوت بین میانگین کارکرد خانواده و زیرمقیاس‌های آن در دو گروه خانواده‌ها با وضعیت مهریه پرداخت شده و پرداخت نشده، از آزمون تی مستقل استفاده گردید. نتایج آزمون تی مستقل نشان داد که میزان کارکرد خانواده در خانواده‌های با وضعیت عدم پرداخت مهریه (36.18 ± 17.17) به‌طور معنی‌داری بیشتر از خانواده‌های با وضعیت پرداخت مهریه (42.27 ± 15.07) بوده است ($t=2/20, p=0/039$). هم‌چنین، میزان زیرمقیاس‌های حل مسأله، نقش‌ها، درگیری اثربخش و کارکرد کلی در خانواده‌های با وضعیت عدم پرداخت مهریه به‌طور معنی‌داری بیشتر از خانواده‌های با وضعیت پرداخت بوده است. میزان زیرمقیاس‌های روابط، پاسخ‌گویی اثربخش و کنترل رفتاری در دو گروه خانواده‌های با وضعیت نقدبودگی و نسیه‌بودگی مهریه تفاوت معنی‌داری نداشتند.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

۱. ابن فارس. (۱۴۱۰ق)، معجم مقائیس اللغة، بیروت: الدار الاسلامیة.
۲. اردبیلی، عبدالغنی. (۱۳۸۱)، تقریرات فلسفه امام خمینی علیه السلام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۳. انوری، حسن. (۱۳۸۲)، فرهنگ روز سخن، تهران: سخن.
۴. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۵)، عرفان و حماسه، قم: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
۵. حرّ عاملی، محمد بن حسن. (بی تا)، وسائل الشیعة الى تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
۶. خمینی، سید روح الله. (۱۳۸۱)، تقریرات فلسفه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۷. _____ (۱۳۸۲)، شرح حدیث جنود عقل و جهل، چ ۷، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۸. _____ (۱۳۸۹)، صحیفه امام، چ ۵، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۹. _____ (۱۳۹۲)، نبوت از دیدگاه امام خمینی علیه السلام، چ ۴، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۱۰. _____ (۱۳۹۴)، آداب الصلاة، چ ۲۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۱۱. _____ (۱۳۹۴)، شرح چهل حدیث، چ ۵۹، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۱۲. دهخدا، علی اکبر و همکاران. (۱۳۷۳)، لغت نامه دهخدا، چ ۱، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۹۱)، مفردات راغب، قم: دارالمعروف.

۱۴. رودگر، محمدجواد. (۱۳۸۸)، *سیر و سلوک در قرآن*، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما.
۱۵. شرف‌الدین، سید حسین. (۱۳۹۶)، «سبک زندگی با رویکرد معنوی، *دو فصلنامه پژوهش‌نامه سبک زندگی*، شماره ۳۴.
۱۶. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۵۴)، *المبدأ و المعاد*. تصحیح: سید جلال‌الدین آشتیانی، تهران: انجمن حکمت و فلسفه.
۱۷. طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۳۸۸)، *بررسی‌های اسلامی*، به‌کوشش: سید هادی خسروشاهی، چ ۲، قم: بوستان کتاب.
۱۸. _____ (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۹. عزیزی، فریدون و همکاران. (۱۳۹۳)، *سلامت معنوی*، تهران: حقوقی.
۲۰. غباری بناب، باقر و همکاران. (۱۳۸۶)، *هوش معنوی، فصلنامه اندیشه نوین دینی*، شماره ۳، (۱۰).
۲۱. فاضلی، محمد. (۱۳۸۲)، *مصرف و سبک زندگی*، چ ۱، قم: نشر صبح صادق.
۲۲. فنایی اشکوری، محمد. (۱۳۸۴)، *بحران معرفت، نقد عقلانیت و معنویت تجدیدگرا*، قم: مرکز انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام.
۲۳. قطب‌الدین رازی، محمد بن محمد. (۱۳۷۵)، *الاشارات و التنبیها*، شرح و تحقیق: خواجه نصیرالدین طوسی، قم: نشرالبلاغه.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۷۰)، *اصول کافی*، تهران: انتشارات اسوه.
۲۵. گولد، جولیس؛ ویلیام. ل. کولب. (۱۳۷۶)، *فرهنگ علوم اجتماعی*، جمعی از مترجمان، تهران: مازیار.
۲۶. لک‌زایی، نجف. (۱۳۹۲)، *مکتب امنیتی متعالیه با نگاهی به اندیشه امام خمینی علیه‌السلام*، *آفاق امنیت*، سال ۸، شماره ۲۶.
۲۷. _____ (۱۳۹۴)، *اندیشه سیاسی امام خمینی علیه‌السلام*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۲۸. مصباح، مجتبی. (۱۳۹۳)، *سلامت معنوی از دیدگاه اسلام*، چ ۲، تهران: مؤسسه فرهنگی حقوقی سینا.
۲۹. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۰)، *مجموعه آثار*، ج ۳، چ ۸، تهران: صدرا.
۳۰. _____ (۱۳۸۳)، *مجموعه آثار*، ج ۲۳، چ ۱، تهران: صدرا.
۳۱. _____ (۱۳۸۵)، *آزادی معنوی*، ج ۲۳، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، چ ۳، تهران: صدرا.
۳۲. ملکیان، مصطفی. (۱۳۹۰)، *روان‌شناسی اخلاق سلسله درس‌های گفتاری*، [بی‌جا]: [بی‌نا].
۳۳. نصر، حسین. (۱۳۸۲)، *آرمان‌ها و واقعیت‌های اسلام*، ترجمه: انشاءالله رحمتی، تهران: جامی.
۳۴. _____ (۱۳۸۲)، *قلب اسلام*، ترجمه: محمدصادق خرازی، چ ۴، تهران: نشر نی، چاپ چهارم.
۳۵. پایگاه اینترنتی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری به نشانی: www.khamenei.ir